

# L

London inter bank mean rate	نیروبر، شرکتی که در آن هزینه دستمزد بیش از هزینه سرمایه اهمیت دارد.
London inter bank offered rate (LIBOR)	قانون کار
میانگین نرخ بهره بین بانکی لندن	قوانین کارگری
نرخ بهره کوتاه‌مدت بین بانکی لندن	بازار کار
labor = labour	ترکیب نیروی کار
کار، کارگر، هزینه دستمزد	انحراف ترکیب نیروی کار، مغایرت ترکیبی کار (دستمزد)
labour (wage) price variance, labour rate variance, labour turnover	labour oriented (به فتح ب)
انحراف نرخ دستمزد	labour overtime اضافه کار کارگری
labour (wages) efficiency variance	labour piracy کارگرزیایی
انحراف کارآیی دستمزد	labour policy سیاست استخدام کارکنان
labour account, wages account	labour quantity variance
حساب دستمزد	انحراف کارایی نیروی کار
labour agreement (contract) قرارداد کار	labour rate نرخ دستمزد
labour cost card کارت هزینه کار	labour rate variance
labour cost summary صورت خلاصه هزینه دستمزد	انحراف نرخ کار (دستمزد)
labour costs (wages costs) دستمزد، هزینه دستمزد	labour ration subsidy کمک هزینه کارگری
labour efficiency variance	labour related benefits مزایای مربوط به کارگران
انحراف کارآیی دستمزد، نیروی کار	labour surplus مازاد کار
labour excess, excess labour کار اضافه	labour time variance
labour hour absorption rate of overhead نرخ جذب ساعتی سربار	انحراف ساعات کار (دستمزد)
labour hours ساعات کار کارگران	labour turnover گردش نیروی کار
labour hours variance انحراف ساعات کار	labour turnover ratio نسبت گردش کار
labour incurred کار انجام شده	

labour usage variance	انحراف مصرف کار (دستمزد)	landed terms	بهای کالا بشرط تخلیه در بندر مقصد
labour variance	انحراف دستمزد	landing	ورود به خشکی (فرودگاه)
labour-cost ratio	نسبت هزینه استاندارد دستمزد مستقیم به هزینه واقعی	landing storage delivery (LSD)	تخلیه، نگهداری، تحویل
labour-hour method of depreciation	روش (ساعت کار) برای محاسبه استهلاك، استهلاك بر مبنای ساعت کارکرد	landlord	موجر، مالک زمین
labour-off the job pay	پرداخت مزد ایام بیکاری	landmark	نشان مرزی، راهنما
labour-saving innovation	نوآوری در صرفه‌جویی در هزینه دستمزد	landscaping	محوطه‌سازی
lack of order of accounts	بی‌ترتیبی حسابها	language of business	زبان تجارت، زبان واحد تجاری
laddered portfolios	سرمایه‌گذاری‌های پلکانی	lapping (teeming and lading)	دزدی، به جیب زدن، کلاه به کلاه کردن
lag	فاصله زمانی، عقب‌افتادگی	lapse	منقضی شدن، به پایان رسیدن قرارداد بیمه
lag factor	فاکتور خرید (فروش) نسبه	lapse of stock option	انقضای مدت استفاده از اختیار خرید سهام (انقضای مهلت استفاده از برگ اختیار معامله سهم)
lag in payment by debtors	تاخیر پرداخت بدهکاران	larceny	دزدی حيله‌گرانه
lag in payment of salary	تأخیر در پرداخت حقوق	large purchase	خرید عمده
lag in payment of wages	تأخیر در پرداخت دستمزد	large-capitalization stocks (large-caps)	سهام شرکت‌هایی که از ارزش بازار بالایی برخوردارند (سهام شرکت‌های بزرگ)
lagging indicators	شاخصهای تأخیری، دوره‌های زمانی همگام با سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی	largest return on investment	بیشترین بازده سرمایه‌گذاری
laissez-faire	بدون نظم	lashing	تسمه‌کشی، جهازبندی بار
land and deed registry	ثبت اسناد و املاک	last day of field work	آخرین روز اجرای عملیات رسیدگی
land improvement	بهبودی زمین، تأسیسات (زیربنایی) در زمین	last invoice pricing	قیمت‌گذاری براساس آخرین فاکتور خرید
land patent	جواز زمین	last price	آخرین قیمت (بها)
land tax	مالیات بر اراضی	last sale	قیمت آخرین معامله
land, estate, real estate, real property, properties	زمین، املاک	last trade	آخرین معامله در یک روز کاری
landed cost	هزینه تحویل کالا	last-in-first-out cost (LIFO cost)	روش اولین صادره از آخرین وارده
landed price	قیمت اعلام‌شده یک کالا که شامل هزینه بارگیری، حمل و تخلیه می‌شود.	lasting price	قیمت بادوام
		late charges	هزینه دیرکرد
		late insured person	بیمه‌شده فوت شده
		late payment fine	زیان دیرکرد

late tape	تأخیر در گزارش قیمت معاملات	leader merchandising	پیشرو در عرضه، پیشرو در قیمت‌گذاری
lateness	دیرکرد	leadership	راهبری، هدایت
latent defect	عیب ناپیدا، نقص پنهان	leading and lagging	تعمیل و تأخیر
later year investment	سرمایه‌گذاری سال بعد	leading indicators	شاخصهای پیشرو
lateral	کنترل ردیفی (کنترل جانبی)	leading insurer	بیمه‌گر اصلی
latest allowable time	آخرین مهلت مجاز	leakage	کمبود (نشستی)، کاستی
latest purchase price method	روش آخرین قیمت خرید	lease accounting	حسابداری اجاره توسط
laundering	تطهیر پول، پول‌شویی، مشروع‌سازی درآمد نامشروع	lease agreement (contract)	قرارداد اجاره
law expense	هزینه حقوقی	lease asset	دارایی استجاری
law merchant	حقوق بازرگانی، حقوق تجارت	lease financing	تأمین مالی از طریق اجاره
law of corporations (company act)	قانون شرکتها	lease inception date	تاریخ شروع اجاره
law of diminishing return	قانون بازده نزولی	lease liability	بدهی اجاره
law of probability	قانون احتمالات	lease obligations	تعهدات اجاره
law of succession	قانون وراثت، قانون (تقسیم) میراث	lease option agreement	اجاره با حق خرید
law of supply and demand	قانون عرضه و تقاضا	lease prepayment	پیش‌پرداخت اجاره
lawful expense	هزینه قانونی (مشروع)	lease purchase agreement	قرارداد اجاره خرید
lawful heir, heir at law	وارث قانونی	lease purchase vendor	فروشنده اجاره خرید
lawless, unlawful, illegal	غیرقانونی	lease receivable, rent receivable	اجاره دریافتنی
laws and regulations	قوانین و مقررات	lease selling accounts	حساب‌های اجاره فروشی
lawyer's letter	درخواست تأییدیه وکیل حقوقی	lease term	مدت اجاره، شرایط اجاره
lay days	روزهای معین برای بارگیری یا باراندازی کشتی (بدون تعلق خسارت تأخیر)	lease, rent	اجاره
lay off, vacation	تعطیل، انتظار خدمت کارگر، حالت تعلیق	leaseback (renting back)	دوباره اجاره کردن، اجاره مجدد
lay time	زمان بارگیری (یا باراندازی) کشتی	leased asset	دارایی اجاره داده شده
lead	رهبری، هدایت	leased property	اموال/دارایی مورد اجاره، ملک استیجاری
lead schedule	کاربرگ اصلی	leasehold	اجاره مال بوسیله فروشنده، حق استفاده از مورد اجاره
lead time	فرجه زمانی، فاصله زمانی بین دادن سفارش و دریافت کالا یا جنس	leasehold improvements	بهسازی اموال تجاری
		leasehold mortgage	اجاره مورد رهن
		leasehold property	مال اجاره‌ای
		leaseholder	اجاره‌دار، مستأجر، اجاره‌کننده

leaseholding, tenancy	اجاره‌داری	legal considerations	ملاحظات حقوقی
leasing	اجاره اعتباری	legal cost	هزینه قانونی، هزینه دادرسی
leasing company	شرکت لیزینگ	legal counsel	شورای حقوقی
leasing revenue	درآمد اجاره	legal currency, the currency of the country	پول رسمی (رایج) کشور
leasing versus buying	اجاره در مقابل خرید	legal deposit	سپرده قانونی
least cost	کمترین هزینه	legal documents	اسناد حقوقی (قانونی)
least cost production method	روش تولید با حداقل هزینه	legal domicile	اقامتگاه قانونی
least-cost combination	ترکیب کمترین هزینه	legal entity (or person), artificial person, legal entity	شخص (شخصیت) حقوقی
least-cost position	موقعیت کمترین هزینه	legal entity of the company	شخصیت حقوقی شرکت
least-cost production	محصول کمترین هزینه	legal fee	حق‌المشاوره، حق‌الوکالت
leave buy out	خرید مرخصی استفاده نشده	legal form	شکل قانونی
leave of absence with pay	مرخصی با استفاده از حقوق	legal formality	تشریفات قانونی
leave pay, vacation pay	حقوق ایام مرخصی	legal format	شکل قانونی
leave traveling charge	هزینه مسافرت مرخصی	legal inspector's (statutory examiner's) checklist	چک لیست بازرس قانونی
ledger	دفتر حسابداری، دفتر کل	legal inspector's fee	حق‌الزحمه بازرس قانونی
ledger cards	کارت‌های (ماشینی) دفاتر	legal interest	بهره قانونی
ledger clerk	کارمند ثبت دفتر	legal letter	تأییدیه حقوقی
ledger control	کنترل دفتر کل	legal liability	مسئولیت قانونی، بدهی قانونی
ledger control account	حساب کنترل دفتر کل	legal maximum reserve	حداکثر اندوخته قانونی
ledger sheet	برگ ماشینیه دفتر کل	legal minimum reserve	حداقل اندوخته قانونی
ledgerless book-keeping	دفترداری بدون دفتر معین	legal note(s) (H.S.)	یادداشت قانونی (سیستم هماهنگ شده)
left-over capacity	ظرفیت باقی مانده، ظرفیت مازاد ظرفیت خالی	legal notification	اظهارنامه (اخطاریه) قانونی
leg	معاملات پوششی برای از بین بردن ریسک	legal obligation	تعهد قانونی
legacy, field, inheritance, heritage	میراث، ارث ترکه	legal office (or department)	اداره حقوقی (قضائی)
legal (public) liability	بدهی قانونی (عمومی)	legal representation letter, lawyer's letter	تأییدیه (وکیل / مشاور) حقوقی
legal basis method	روش مبنای قانونی	legal requirements	الزامات قانونی
legal bodies	نهادهای قانونی	legal reserve account	حساب اندوخته قانونی
legal capital	سرمایه قانونی، سرمایه اسمی		
legal competency	صلاحیت قانونی شخص برای ادای شهادت		

legal reserve funds	وجوه اندوخته قانونی	less than container load (LCL)	کمتر از ظرفیت کانتینر
legal reserve insurance	بیمه اندوخته قانونی	lessee, tenant	مستأجر، اجاره کننده
legal reserve, required reserve, statutory reserve	سپرده قانونی، اندوخته قانونی	lessen	کمتر کردن، کاستن از
legal restriction	محدودیت قانونی	lessor	اجاره دهنده، موجر
legal right of set-off	حق تهاتر	lessor accounting	حسابداری اجاره توسط اجاره دهنده (موجر)
legal settlement	تسویه قانونی	letter bond	اوراق قرضه غیر قابل معامله
legal stage (state)	وضعیت حقوقی	letter dispatched book	دفتر نامه‌های صادره
legal status of deceased partner	وضعیت حقوقی شریک فوت شده	letter of agreement, agreement, consent letter, letter of consent	موافقت نامه
legal status of new partner	وضعیت حقوقی شریک جدید	letter of allotment	تسهیم نامه (صورت یا برگ تسهیم)
legal suit	دادخواست قانونی، تعقیب قضایی	letter of application	تقاضای استخدام
legal title	مالکیت قانونی	letter of authorization	وکالتنامه
legal transfer	نقل و انتقال رسمی اوراق بهادار	letter of awareness	اخطار به
legal validity	اعتبار قانونی	letter of comformt	التزام اخلاقی، معرفی نامه
legal validity of shares	اعتبار قانونی سهام	letter of commitment, warranty, written undertaking	تعهدنامه
legalize	مجاز کردن، قانونی کردن	letter of credit (LC)	اعتبار اسنادی (اعتبارنامه)
legend	شرح ثبت، شماره سند، نقش	letter of credit (documentary credit)	اعتبار اسنادی، اعتبارنامه بانکی
legibility of documents	قابلیت خوانایی اسناد	letter of declaration	اظهارنامه
legislate	قانون گذراندن	letter of engagement	قرارداد حسابرسی
legitimate expense for tax	هزینه مشروع (مجاز) برای مالیات	letter of guarantee issue cost	هزینه صدور ضمانت نامه
legitimate method of costing	روش معقول (مشروع) هزینه‌یابی	letter of indemnity	ورقه تضمین خسارت
lender	قرض دهنده، وام دهنده	letter of inquiry	درخواست تأییدیه وکیل حقوقی
lending at a premium	کارمزد مربوط به قرض دادن سهام	letter of intent (LOI)	تفاهم نامه
lending at a rate	نرخ بهره سهام استقراضی	letter of protest	واخواست نامه
lending securities	سهام استقراضی	letter of recommendation, representation by management	تأییدیه مدیران
lessee's borrowing rate	نرخ استقراض برای اجاره کننده	letter of representation, representation letter	نامه تأیید صحت اطلاعات توسط مدیران
lessee's implicit interest rate	نرخ ضمنی سود تضمین شده برای اجاره کننده		(تأییدیه مدیریت)
lessee's incremental borrowing rate	نرخ فرضی استقراض برای اجاره کننده		
less developed country (LDC)	کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه		

letter of understanding	یادداشت تفاهم	liability reserve = accrued liability	بدهی تعلق گرفته و پرداخت نشده
letter of violation	تخلفنامه	liability sheet	ورقه (صورت) بدهی
letter received book	دفتر نامه‌های رسیده	liability to group companies	بدهی به شرکت‌های عضو گروه
letter stock	سهام غیر قابل معامله	liability to parent company	بدهی به شرکت مادر، اصلی
letter-post items	اقلام نامه‌های پستی	liability to subsidiaries	بدهی به شرکت‌های فرعی
letters patent	اسم ثبت شده (نام شرکت یا کالا که به ثبت می‌رسد) امتیازنامه، گواهی اختراع	liability, debt, due	بدهی، تعهد، الزام، دین
level of activity	سطح فعالیت	liable for damages	مسئول خسارات
level of aggregation	سطح / میزان تجمع	liable for payment	مسئول پرداخت
level of attainment	سطح فعالیت	liable for payment of debts	مسئول پرداخت بدهی‌ها
level premium	حق بیمه ثابت	liable to pay duty, dutiable	مشمول پرداخت حقوق گمرکی
levels of market efficiency	سطوح کارایی بازار	liable to tax, taxable, retable	مشمول مالیات
leverage	اهرم، اهرمی (عمل کردن)	librarian	بایگان، کتابدار
leverage lease	خرید به منظور اجاره	librarian system	سیستم بایگانی
leverage ratio, gearing ratio	نسبت اهرمی	licence, permit	جواز، پروانه
leveraged buy out (LBO)	خرید اهرمی، تصاحب از طریق استقراض	license, royalty	حق الامتیاز، حق التألیف، اجازه‌نامه، جواز
leveraged company	شرکت با بدهی	licensed public accountant	حسابدار رسمی دارای مجوز کار
leveraged lease	اجاره بلندمدت اهرمی	lien	حق تصرف وثیقه، حق وصول طلب، حق رهن، ضامن
leveraged stock	سهام خریداری شده از طریق وام	lien on shares	حق تصرف سهام
levy	برآورد مالیات، وضع مالیات	lienee	مرهون، وثیقه‌گذار
levy assessment	عوارض دولتی (شهرداری)، عوارض، ارزیابی مالیات	lienor	راهن، وثیقه‌گر
liability (scrip) dividends payable	بدهی سود سهام پرداختنی	life annuity	مستمری (قسط) مادام‌العمر
liability certificate, certificate of debt	گواهی (تأییدیه) بدهی	life annuity installments	مستمری قسط‌السنین
liability coverage, liability payable	مبلغ قابل پرداخت بدهی	life assurance	بیمه عمر
liability for endorsement	بدهی حاصل از ظهرنویسی، بدهی احتمالی	life cycle	دوره حیات، چرخه عمر
liability ledger	دفتر تعهدات (بدهی‌ها)	life income funds	صندوق درآمد مادام‌العمر
liability method	روش بدهی	life insurance	بیمه عمر
liability of auditors	مسئولیت (تعهد) حساب‌رسان	life insurance policy	بیمه‌نامه عمر
liability representation	تأییدیه بدهی‌ها		

life interest	حق عُمری، حبس مال مادام‌العمر	limited assurance, negative assurance	اطمینان محدود (نسبی)
life long annuity	مقرری سالانه مادام‌العمر	limited audit	حسابرسی محدود
life of machine	عمر ماشین	limited discretion	وکالت محدود
life table of asset	جدول عمر قابل استفاده دارایی	limited dividend company	شرکت با سود سهام محدود
life tenant	مالکیت مادام‌العمر	limited liability company, limited company	شرکت با مسئولیت محدود
life-cycle budget	بودجه چرخه عمر محصول	limited liability partnership (LLP)	شرکت تضامنی با مسئولیت محدود
life-cycle budgeting	بودجه‌بندی بر مبنای چرخه عمر محصول	limited life	عمر محدود
life-cycle costing	تعیین بهای تمام‌شده دارایی بر مبنای چرخه عمر	limited open end mortgage bond	اوراق قرضه با رهن محدود
life-periods method	روش مجموع سنوات	limited partner	شریک با مسئولیت محدود
lifo-cashflow consequences	تأثیر روش	limited partnership	شرکت تضامنی مختلط، مشارکت مختلط، مشارکت محدود
lift-on, lift-off = lo-lo	اولین صادره از آخرین وارده بر گردش نقدینگی	limited partnership with shares	شرکت مختلط سهامی
light and heating expense	بارگیری و تخلیه کشتی با جرثقیل	limited power of attorney (LPOA)	وکالت محدود
light taxation	هزینه روشنایی و حرارت	limited recourse financing	وام با تضمین خاص
lighterage	مالیات‌بندی سبک	limited sources	منابع محدود
likely error	هزینه بارگیری و باراندازی از کشتی توسط دونه	limited testing of the system	آزمون محدود سیستم
likely errors in the financial statements	خطای احتمالی، اشتباه محتمل	limiting factor (principal budget factor)	عامل محدودکننده
limit check	اشتباهات احتمالی در صورتهای مالی	line	رشته، شعبه
limit down	کنترل حدود	line and staff relations	روابط صفی و ستادی
limit move	حد کاهش قیمت	line item	یکی از اقلام بودجه
limit order	حد تغییر قیمت	line of credit	حد (میزان) اعتبار، اعلامیه ارائه اعتبار (اعطای خط اعتباری)
limit order book	سفارش به قیمت معین، سفارش محدود	line position	پست / جایگاه صفی
limit price	دفتر سفارشات محدود	line responsibility	مسئولیت اجرایی (صفی)
limit up	قیمت محدود (معین)		
limitation of action, limitation period	حد افزایش قیمت		
limitation on scope	محدودیت در دامنه رسیدگی		
limitation period	دوره محدودیت		
limited (ltd)	محدود، منحصر		

line-by-line consolidation	تلفیق سطر به سطر	liquidation value	ارزش تسویه، ارزش انحلال (ارزش برچیدگی)
linear cost function	تابع هزینه خطی	liquidation value of assets	ارزش برچیدگی دارایی‌ها
linear depreciation	استهلاک خطی	liquidator, trustee in bankruptcy,	مدیر تصفیه
linear programming	برنامه‌ریزی / برنامه‌نویسی خطی	equity receiver	نقدینگی (نقدینگی جاری)
linear regression	رگرسیون خطی	liquidity	بحران نقدینگی
linear relation	رابطه خطی	liquidity crisis	شاخص نقدینگی
linear statistics	آمار خطی	liquidity index	مدیریت بر نقدینگی
linear trend	روند خطی	liquidity management	نقدینگی یک بانک
linear-cut approach	روش کاهش خطی	liquidity of a bank	نقدینگی حسابها
linearity	رابطه خطی	liquidity of accounts	قابلیت نقدینگی دارائیها
liner shipping	حمل توسط خط کشتیرانی منظم	liquidity of assets	قابلیت نقدینگی اوراق و اسناد
liner terms	شرایط خط کشتیرانی	liquidity of papers	وضع میعان موقعیت نقدینگی
liner trade	کشتیرانی منظم تجاری	liquidity position	ارجحیت‌های نقدینگی
liquid	نقدینه (پول شدنی)، دارای قدرت نقدینگی، نقدی	liquidity preferences	صرف نقدینگی
liquid asset	دارایی پول شدنی، دارایی سیال	liquidity premium	نسبت سریع، نسبت آنی، نسبت‌های نقدینگی
liquid reserve	ذخیره قابل نقد	liquidity ratio (acid-test ratio; quick ratio)	ریسک نقدینگی
liquidate	تسویه کردن، واریز کردن، نقد کردن	liquidity risk	فهرست کردن، لیست
liquidate a company	شرکتی را برچیدن (منحل کردن)	list	فهرست حسابهای پرداختنی (بدهی‌ها)
liquidated asset	دارایی نقد شده	list of accounts payable	فهرست حسابهای دریافتنی (طلب‌ها)
liquidated damages	خسارات نقدی	list of accounts receivable	فهرست حسابها
liquidating a partnership	انحلال شرکت تضامنی	list of accounts, chart of accounts,	صورت دارایی‌ها
liquidation (winding-up)	انحلال، تسویه، تسویه کردن دارایی‌ها	accounting manual	صورت طلبکاران
liquidation costs	هزینه‌های تسویه	list of assets	صورت بدهکاران
liquidation dividend	سود سهام انحلال	list of creditors	صورت بدهکاران
liquidation dividend profit (earning)	سود تسویه	list of debtors	صورت بدهیهای مشکوک‌الوصول
guaranteed, gurenteed profit	سود تسویه	list of doubtful debts	صورت سرمایه‌گذارها
liquidation due to bankruptcy	انحلال به دلیل ورشکستگی	list of investments	صورت بدهی‌ها
liquidation expense	هزینه تسویه	list of liabilities (debts)	صورت قیمت‌ها، فهرست بها
liquidation of a company	تصفیه یک شرکت	list of prices	
liquidation proceedings	اقدامات تسویه		



list of rent received صورت اجاره دریافتی  
 list price, catalog price قیمت مندرج در لیست، قیمت معین  
 listed bond اوراق قرضه قابل معامله در بورس  
 listed company شرکت پذیرفته شده در بازار بورس  
 listed investment سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس  
 listed option برگ اختیار خرید یا فروش سهام که در بورس پذیرفته شده است.  
 listed security اوراق بهادار/ سهم (شرکت) پذیرفته شده در بورس  
 listed selling price قیمت فروش طبق فهرست  
 listed shares سهام پذیرفته شده (در بورس)  
 listed stock سهام قابل معامله در بورس  
 listing of non-cash investment and financing activities فهرست فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی غیر نقدی  
 listing particulars مشخصات شرکت متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار  
 listing requirements شرایط پذیرش در بورس اوراق بهادار  
 litigate دادخواهی کردن، اقامه دعوا کردن  
 litigation دعوی قضائی، دعوی حقوقی  
 litigation support تعقیق قانونی، دعاوی مطروحه، دادخواهی  
 living expenses, cost of living هزینه زندگی  
 living wage, minimum wage حداقل مزد  
 load fund صندوق سرمایه‌گذاری با هزینه کارمزد  
 load, burden بار  
 loadable, executable, feasible قابل اجرا  
 loading charge هزینه بارگیری

loading for contingencies کارمزدی که بابت هزینه‌های احتمالی به حق بیمه اضافه می‌شود  
 loading in branch inventory سود تحقق‌نیافته موجودی کالای شعبه  
 loading participation in profit هزینه مشترک در سود  
 loading space فضای قابل بارگیری  
 loading the goods on ship بارگیری کالا در کشتی  
 loan قرض دادن، وام دادن، امانت دادن، وام  
 loan (at) with interest وام بهره‌دار  
 loan agreement قرارداد وام  
 loan amortization schedule جدول استهلاك وام  
 loan at call وام دیداری، وام عندالمطالبه  
 loan at notice وام غیردیداری  
 loan cap سقف وام  
 loan charges هزینه‌های وام (اخذ و استفاده وام)  
 loan collateral تضمین وام، وثایق وام  
 loan commission حق کمیسیون وام  
 loan fee حق الزحمه وام  
 loan from partners وام دریافتنی از شرکاء  
 loan guarantee scheme طرح تضمین وام  
 loan holder وام‌دهنده  
 loan interest, interest on loan بهره وام  
 loan on deeds وام تعهدی، وام با سند کتبی  
 loan on deposit اعطای وام به وثیقه سپرده  
 loan on notes وام در مقابل اسناد تجاری (سفته)  
 loan on overdraft وام اضافه برداشت  
 loan on stocks وام (قرض) در مقابل سهام  
 loan on trust وام شرافتی  
 loan position وضعیت وام  
 loan position statement صورت وضعیت وام  
 loan receivable وام دریافتنی

loan repayment factor	فاکتور بازپرداخت وام	long form auditor's report	
loan statement	صورتحساب وام	long form report, long-term report	گزارش بلند (گزارش تفصیلی) حسابرس
loan stock	سهام قرضه، سهام وام سرمایه	long format	صورت تفصیلی
loan to capital ratio, capital structure ratio, debt-equity ratio	نسبت وام به سرمایه	long haul	خط سیر بلند
loan to equity ratio	نسبت وام به حقوق صاحبان سهام	long hedge	مصون ماندن از طریق پیش خرید
loan to partners	وام پرداختی به شرکاء	long lasting plants	تأسیسات با عمر بلندمدت
loan value	ارزش وام	long lease	اجاره بلندمدت
loanable funds	وجوه قابل استقراض، وجوه وام دادنی	long lived assets	داراییهای بلند مدت
loaned	وام گیرنده	long lived intangible assets	داراییهای نامشهود بلندمدت
loaned flat	وام بدون بهره	long period	دوره طویل
loanee	وام گیرنده	long position	خرید استقراضی
local currency	ارز محلی / داخلی، واحد پول محلی	long range budget	بودجه با محدوده طویل
local purchase	خرید داخلی (محلی)	long range plan	برنامه با محدوده وسیع
local rate	نرخ داخلی	long run	بلندمدت
local safe keeping (LSK)	اوراق بهادار متعلق به مشتری	long run capital budget	بودجه سرمایه‌ای درازمدت
local sale	فروش داخلی	long run cash budget	بودجه نقدینه درازمدت
lock out	تعطیل کارخانه (توسط کارفرما)	long run earnings	عایدات بلندمدت
lock up	فروش بخشی از سهام یا دارایی‌های شرکت هدف	long run equilibrium	موازنه بلندمدت (قیمت‌ها)
lock-in capital, loan capital, debt capital	سرمایه وامی، سرمایه حبس شده	long run frequency	فراوانی بلند مدت، نسبت پرداخت سود سهام در بلندمدت
lock-up	حبس سرمایه	long run market rate	نرخ بلندمدت بازار
locked market	بازار راکد	long run performance	اجرای بلندمدت
locus regit actum	اسناد تابع قوانین محل صدور	long run profit maximization	به حداکثر رسانی طویل‌المدت سود
lodgement	تودیع، سپردن	long run profitability	قابلیت سوددهی بلند مدت
logical reasoning	استدلال منطقی	long run rate	نرخ بلندمدت
london inter bank bid rate (LIBID)	نرخ داخلی بهره بانک‌های لندن	long standing policy	سیاست (خط مشی) بلندمدت
long cycle	دوره بلندمدت	long tail insurance	بیمه دنباله دار
long dated bill	برات بلندمدت	long tail liability	تعهد طولانی مدت
long established policy	سیاست دیرینه	long tap	اوراق بهادار بلندمدت
long form auditing	حسابرسی تفصیلی (مفصل)	long term (debt-liability) debt capital	بدهی بلندمدت

long term (strategic) financial plans	برنامه‌های مالی بلندمدت (راهبردی)	long term recivables	حساب‌های دریافتی بلندمدت
long term asset, long-lived	دارایی بلندمدت	long term refundable deposits	سپرده‌های قابل استرداد دراز مدت
long term bill	برات درازمدت (بیش از سی روز)	long term solvency	قدرت پرداخت تعهدات بلندمدت
long term budget	بودجه بلندمدت	long term, long run	بلندمدت، درازمدت
long term commitments	تعهدات بلندمدت	long ton	تن بزرگ (۱۰۲۷ کیلو)، تن بلند (برابر با ۲۲۴۰ پوند)
long term construction contracts	قراردادهای بلندمدت ساختمانی، قراردادهای پیمانکاری	longs	اوراق قرضه بلندمدت
long term contract	قرارداد بلندمدت	loophole	راه فرار از اجرای قانون
long term credit	اعتبارات بلندمدت	loose leaf	کارت یا اوراق آزاد
long term credit commitment	تعهد اعتبار بلندمدت	loose leaf ledger	دفترکل مجلد (اوراق جداشدنی)
long term debt	بدهی بلندمدت (وامی که سررسید آن بیش از یک سال باشد)	lose	ضرر کردن، از دست دادن
long term debtors	بدهکاران بلندمدت	loss	زیان، خسارت
long term debts to net worth ratio	نسبت بدهی بلندمدت به ارزش ویژه	loss (gain) on repossession	زیان (سود) ناشی از تملک مجدد
long term financing	تأمین مالی بلندمدت	loss and gain = profit and loss	سود و زیان
long term forecast	پیش‌بینی درازمدت	loss and gain account	حساب سود و زیان
long term investment	سرمایه‌گذاری بلندمدت	loss area	منطقه زیان
long term items	اقلام بلندمدت	loss assessment	ارزیابی میزان خسارت
long term lease	اجاره بلندمدت	loss carried forward, loss carryforward	زیان انتقال یافته به دوره‌های آتی
long term liabilities	بدهی‌های درازمدت	loss carry over	انتقال زیان به دوره‌های آتی
long term loan	وام بلندمدت	loss carryback	زیان انتقالی به دوره‌های قبل
long term monetary assets	داراییهای بلندمدت پولی	loss contingency	زیان احتمالی
long term notes payable	اسناد پرداختی بلندمدت	loss discount	تخفیف نقدی از دست رفته
long term notes receivable	اسناد دریافتی بلندمدت	loss from abnormal spoilage	زیان حاصل از ضایعات غیرعادی
long term obligations	تعهدات (بدهیهای) بلندمدت	loss from discontinued operations	زیان حاصل از عملیات متوقف شده
long term planning	برنامه‌ریزی طویل‌المدت	loss function	تابع زیان
long term position	وضعیت بلندمدت	loss marking operation	عملکرد زیانبار
long term prepaid expenses	پیش پرداخت بلندمدت هزینه‌ها	loss of chaim	فقدان غرامت، زیان نامعلوم
		loss of value (or fall in value)	افت ارزش
		loss on bad debt	ضرر حاصل از مطالبات سوخت شده

loss on contract      ضرر پیمان (ضرر مقاطعه)  
 loss on investment      ضرر سرمایه‌گذاری  
 loss on manufacture      انتقال کالا از واحد تولید به واحد کالای ساخته‌شده به قیمتی کمتر از بهای تمام‌شده  
 loss on stocks      زیان موجودی‌ها  
 loss on stocks due to fall in price      زیان موجودی‌ها بر اثر سقوط قیمت  
 loss payable endorsement      بیمه به نفع دیگران  
 loss per share      زیان هر سهم  
 loss ratio      نسبت زیان  
 loss relief      معافیت مالیاتی به دلیل زیان شرکت  
 loss reserve      اندوخته (جبران) زیان  
 loss units      آحاد محصول از دست رفته  
 lost capital      سرمایه از دست رفته  
 lost discount, cash sales discounts      تخفیفات نقدی فروش، تخفیف از دست رفته  
 lost usefulness (depreciation)      استهلاک یا از دست رفتن توان سوددهی دارایی  
 lost-dated papers      اوراق بهادار درازمدت  
 lot      مقدار، دسته، اندازه، حجم  
 lot acceptance sampling      نمونه‌برداری مورد قبول  
 lot size      مقدار سفارش  
 lot tolerance percent defective      درصد کالای خراب در یک محموله  
 low coupon bonds      اوراق قرضه با بازده کم  
 low of cost and net realizable value rule      قاعده مبتنی بر اقل «بهای تمام‌شده» و «خالص ارزش بازیافتنی»  
 low p/e stocks      سهامی که نسبت قیمت به سود آنها پایین می‌باشد  
 low price      قیمت کمتر (پائین)، قیمت‌های نازل  
 low-load fund      صندوق سرمایه‌گذاری با سرمایه اندک

low-return capital      سرمایه‌گذاری بازده کم  
 lowballing      رقابت حساب‌برسان برای جذب صاحب‌کار (از طریق کم کردن حق‌الزحمه)  
 lower control limit (LCL)      حد پایین کنترل  
 lower of cost or market (LCM) rule      قاعده اقل بهای تمام‌شده یا بازار  
 lower of cost or market price (value)      حداقل قیمت تمام‌شده یا قیمت بازار  
 lower of cost or market rule      قاعده اقل بهای تمام‌شده یا قیمت بازار  
 lower of cost or market valuation      ارزیابی براساس اقل قیمت تمام‌شده  
 lower precision      دقت پایین  
 lower precision limit      حد پایین دقت  
 lower quartile, lead time      اقل بهای تمام‌شده یا قیمت روز، ربع تحتانی  
 lowest cost operation      عملکرد با حداقل هزینه  
 lucrative capital      سرمایه پرسود  
 lucrative investment      سرمایه‌گذاری پرسود  
 lucrative profit opportunities      فرصت‌ها (امکانات) زیاد سوددهی  
 lump sum acquisition      تحصیل (خرید) به طور یکجا  
 lump sum compensation      غرامت مقطوع  
 lump sum contract      قرارداد مقطوع براساس قیمت کل کار  
 lump sum freight      هزینه حمل مقطوع  
 lump sum payment      پرداخت مبلغ (یکجا) مقطوع  
 lump sum purchase      خرید (یکجا) مقطوع  
 lump sum sales      فروش دسته‌جمعی / یکجا  
 lump-sum, indexing      مبلغ مقطوع  
     کلاً در یک مرحله به حساب هزینه بردن  
 luxury article      کالای تجملی (لوکس)  
 luxury trade      تجارت کالای لوکس

# M m

M.	مخفف میلیون (Million) در رابطه با اعداد و مبالغ به کار می رود	macro (political) risk	ریسک سیاسی در سطح کلان
machine book-keeping	دفترداری ماشینی	macro accounting = national income	حسابداری ملی
machine hours	ساعات کار ماشین (آلات)	macroeconomics	اقتصاد کلان
machine operating hours	ساعت کارکرد ماشین	mail order business	کسب و کار مکاتبه‌ای
machine operation cost	هزینه عملیات ماشین	mail order of payment	دستور پرداخت کتبی
machine oriented	ماشین‌بر	mail order sale	فروش مکاتبه‌ای
machine rent charge (expense)	هزینه اجاره ماشین	mail transfer	حواله کتبی، حواله پستی
machine set-up	آماده کردن کامپیوتر یا ماشین دیگر	main contract	پیمان اصلی، قرارداد اصلی، قرارداد دست اول
machine time sheet (record)	برگ اوقات کار ماشین	main contractor, major contractor	پیمانکار دست اول، پیمانکار اصلی
machine times	اوقات کار ماشین	main credits	اعتبارات اصلی
machine utilization	کاربرد ماشین	main documentary credits	اعتباری اسنادی اصلی
machine-hour rate	نرخ ساعت کار ماشین، نرخ سرشکن کردن هزینه سریار براساس ساعت کار ماشین	main function	وظیفه اصلی
machine-hours method of depreciation	استهلاک به روش ساعت کار ماشین آلات	main insured person	بیمه شده اصلی
machinery	ماشین آلات	main office	دفتر مرکزی
machinery account	حساب ماشین آلات	main population under coverage	جمعیت بیمه شده اصلی تحت پوشش
machinery and equipment	ماشین آلات و تجهیزات	main product	محصول اصلی
machinery depreciation	استهلاک ماشین آلات	main product cost	هزینه تمام شده محصول اصلی
		main row	سطر اصلی
		maintain	نگهداری کردن
		maintenance	نگهداری و مراقبت
		maintenance call	اخطار کسر ودیعه

maintenance cost (expense)	هزینه تعمیر و نگهداشت	maker of a note	صادرکننده سند
maintenance excess	سرمایه مازاد	mala fide	از روی سوء نیت (اصطلاح بورس)
maintenance lease	اجاره با تعمیر و نگهداری	malfesance	مرتکب اشتباه شدن
maintenance of capital	نگهداشت سرمایه	malinvestment	سرمایه گذاری نامناسب
maintenance of physical capital	نگهداشت سرمایه فیزیکی (مادی)	malpractice insurance	بیمه خدمات حرفه‌ای در برابر اقداماتی قانونی
maintenance period, retention period	دوره تعمیر و نگهداری	man-power	نیروی انسانی، جمعیت فعال
maintenance requirement	حداقل ودیعه	manage, administer	اداره کردن، اجرا کردن
maintenance reserve	اندوخته تعمیر و نگهداری	managed (band) exchange rates	محدوده نوسان نرخ ارز
major capital	سرمایه عمده	managed costs (expenses)	مخارج برنامه ریزی شده
major capital project	طرح بزرگ (عظیم) سرمایه‌ای	management	مدیریت، اداره کردن
major customer	مشتری عمده	management accountant	حسابدار مدیریت
major defect	نقص اصلی و عمده	management accounting	حسابداری مدیریت
major duties	تکالیف عمده	management accounting data	(information)
major effects	تأثیرات عمده		مجموعه اطلاعات حسابداری مدیریت
major expansion project	پروژه توسعه‌ای عمده	management accounting guidelines	رهنمودهای حسابداری مدیریت (MAGs)
major repair budget	بودجه تعمیرات اساسی	management accounting structure	ساختار حسابداری مدیریت
major repair or extraordinary repair	تعمیر اساسی یا تعمیر فوق‌العاده	management advisory services	خدمات مشاوره مدیریت
major sale	فروش عمده	management appraisal	ارزیابی مدیریت
major work	کار اصلی	management attitude	نگرش مدیریت
majority equity holders, majority stockholders	صاحبان سهام اکثریت	management by exception	مدیریت براساس استثنا
majority interest	دارنده منافع بیشتر	management buy-in (MBI)	خرید شرکت
majority shareholders	سهامداران اکثریت		دائره وسیله مدیرانی از خارج مؤسسه
majority shareholders' vote	رای اکثریت صاحبان سهام	management buy-out (MBO)	خرید شرکت
majority-owned subsidiary	واحد فرعی		دائره وسیله مدیرانی از داخل مؤسسه
make allowance on	تخفیف قایل شدن	management by exception principle	اصل مدیریت بر پایه استثناء
make provision, forecast	پیش‌بینی کردن	management by objective	مدیریت بر مبنای هدف
make ready time	زمان آماده‌سازی، زمان راه‌اندازی دستگاه		
maker (signatory) of promissory note	صادرکننده (امضاءکننده) سفته		

m

management by objectives (MBO)	رهنمون مدیریت
مدیریت بر اساس هدفها	مدیر سنديکا
management consulting services	اختيار مديران
خدمات مشاوره مدیریت	management's discussion and analysis
management control system (MCS)	تجزیه و تحلیل و نقطه نظرات مدیریت
سیستم کنترل مدیریت، کنترل فرد	management's illegal acts
management discretion	اقدامات خلاف قانون مديران
نظریه یا صلاحديد مدیریت	manager = director
management expenses	مدیر
مخارج مدیریت	manager's compensation
management fee	حق الزحمه مدير
حق الزحمه مدیریت	manager's fee
management information system (MIS)	حق الزحمه مدير
سیستم اطلاعات مدیریت	managerial accounting
management integrity	حسابداری مدیریت
صداقت، درستکاری، صلاحیت اخلاقی مدیریت	managerial compensation
management letter of representation	حقوق و مزایای مدیریت
تأییدیه مدیریت	managerial control
management letter, letter of recommendation	کنترل مدیریتی
نامه مدیریت	managerial control systems
management of cash	سیستمهای کنترل مدیریتی
اداره و جوه نقد	managerial finance, financial
management override of internal controls	مدیریت مالی
زیر پا گذاردن کنترلهای داخلی	managment
management performance	وظیفه مدیریتی
میزان مهارت و موفقیت در یک فعالیت	managerial function
management performance audit	پرسنل اداره کننده
حسابرسی عملکرد مدیریت، (حسابرسی عملیاتی)	managerial personnel
management ratios	سیستمهای مدیریت
نسبتهای مدیریت	managerial systems
management remuneration	مدیرعامل
حق الزحمه مدیریت	managing director
management representation	کمیته مدیریت
تأییدیه مدیریت، که مدیران به حسابرس ارائه می کنند	managment committee
management responsibility	کمیته مدیریت
مسئولیت مدیریت	mandate
management review (or audit)	اختیار عمل، دستور مافوق
بررسی یا حسابرسی مدیریت	mandated audit
management science = operations	حسابرسی اجباری / الزامی
تحقیق در عملیات، دانش مدیریت	mandatory labour, forced labour,
research	کار اجباری
شیوه های مدیریت	compulsory labour
management style	مدیرعامل
	mandatory redemption
	بازخرید اجباری
	mandatory saving
	سپرده اجباری
	manifest
	اظهارنامه بار، شرح محموله
	manifest (cargo)
	بارنامه عمومی (هر نوع وسیله نقلیه)
	manipulating the accounting records
	حساب سازی
	manipulation
	ایجاد بازارگرمی، دستکاری
	manipulation of accounts
	حساب سازی
	manner of combining interests
	روش ترکیب منافع

manpower planning	برنامه‌ریزی نیروی انسانی	manufacturing progresses	مراحل ساخت
manual	مجموعه دستورالعملها و مقررات	manufacturing resource planning	
manual accounting system	دستورالعمل سیستم حسابداری	(MRP)	برنامه‌ریزی منابع تولیدی
manual labor (work)	کار دستی	manufacturing statement	صورت هزینه کالای ساخته شده
manual of accounting = accounting		manufacturing time	زمان تولید
manual	دستورالعمل حسابداری	manuscript	دست‌نویس، نسخه اصل
manufacture	ساختن، تولید کردن	manuscript signature	امضای اصل
manufacturer	سازنده، تولید کننده (کارخانه‌دار)	macroeconomic factors	مؤلفه‌های اقتصاد کلان، متغیرهای کلان اقتصادی
manufacturing	تولیدی، ساخت	margin	حاشیه سود، سود ناخالص، تفاوت ارزش
manufacturing accounting	حسابداری تولید	margin account	حساب اعتباری
manufacturing budget	بودجه ساخت (کالا)	margin agreement	قرارداد خرید اعتباری
manufacturing company	شرکت تولیدی	margin of profit ratio	نسبت حاشیه اطمینان، نسبت حاشیه ایمنی
manufacturing cost (expense), output	هزینه تولید (محصول)	margin of safety (MS)	حاشیه ایمنی
cost, product cost		margin purchase	خرید اعتباری / نسبه
manufacturing cost of finished goods	بهای تمام‌شده کالای ساخته شده	margin risk	ریسک از دست دادن سپرده
manufacturing cost of goods produced	هزینه ساخت، هزینه تولید کالای ساخته	margin security	اوراق بهادار قابل خرید به صورت اعتباری
manufacturing cost variance	مغایرت هزینه ساخت	marginal	نهایی
manufacturing efficiency	کارایی ساخت	marginal analysis	تجزیه و تحلیل نهایی
manufacturing enterprice	مؤسسه صنعتی	marginal balance, final balance	مانده نهایی، مازاد درآمد به هزینه‌های متغیر
manufacturing measure	معیار ساخت (تولید)	marginal cash flow	گردش نهایی و جوه نقد
manufacturing mix	ترکیب ساخت	marginal cost	هزینه متغیر هر واحد تولیدی
manufacturing order	سفارش تولید	marginal cost curve	منحنی هزینه نهایی
manufacturing overhead	سربار تولید (ساخت)	marginal cost equation	معادله هزینه نهایی
manufacturing overhead allocated	سربار تخصیص یافته تولید	marginal cost function	تابع هزینه نهایی
manufacturing process	مرحله ساخت، جریان ساخت (فرایند تولید)	marginal cost of capital (MCC)	هزینه نهایی سرمایه
manufacturing productivity	بهره‌وری ساخت	marginal cost of production	هزینه نهایی تولید
manufacturing profit (or loss)	سود (یا زیان) تولید	marginal cost price	قیمت بر حسب هزینه نهایی
		marginal cost pricing	قیمت‌گذاری بر مبنای کل هزینه‌های متغیر



## m

marginal costing, variable costing

هزینه‌یابی متغیر، هزینه‌یابی نهایی

marginal efficiency of investment

بازده نهایی سرمایه‌گذاری

marginal equation

معادل هزینه‌یابی نهایی

marginal income rate

ضریب درآمد نهایی، ضریب سود حاشیه‌ای

marginal income, incremental revenue

درآمد نهایی (درآمد فروش یک محصول اضافی)

marginal net product

تولید خالص نهایی

marginal product

محصول (تولید) نهایی

marginal productivity

بهره‌وری نهایی، قدرت نهایی تولید

marginal productivity of capital

بهره‌وری نهایی سرمایه

marginal productivity theory

تئوری بهره‌وری نهایی

marginal profit (income)

سود نهایی

marginal rate of tax

نرخ نهایی مالیات

marginal rate, final rate

نرخ نهایی

marginal return on capital

بازده نهایی سرمایه

marginal unit cost

بهای تمام‌شده واحد کالای

نهایی، بهای تمام‌شده یک واحد اضافی

marginal utility

فایده نهایی

marginal weights

ضرایب نهایی

marine

دریایی، بحری، وابسته به دریانوردی

marine bill of lading

بارنامه دریایی (کالا)

marine charge

نرخ حمل و نقل دریایی

marine insurance, sea insurance

بیمه دریایی

mariner

دریانورد، کشتیران

maritime insurance

بیمه دریایی

maritime law

حقوق دریایی

maritime lien

برتری دریایی، امتیاز دریایی

maritime survey

بازرسی دریایی

mark to the market

به روز درآوردن حساب

mark up pricing

تعیین افزایش قیمت

mark up pricing method

روش تعیین افزایش قیمت

mark-down

قیمت کالا را به منظور فروش پایین آوردن

mark-up

سود توزیع‌کننده

marked (of marking) to the market

تعدیل با قیمت (ارزش) بازار

marked cheque, stamped cheque,

چک ممهور

marked shares

سهام ممهور

market

خرید و فروش کردن،

بازار، یک حوزه جغرافیایی، محل خرید و فروش

market ability opening balance

ارزش بازار، ارزش روز

market acceptance

پذیرش کالا توسط بازار

market analysis

تجزیه و تحلیل بازار، گزارش تحلیلی از بازار

market appraisal

سنجش بازار

market arbitrage

معاملات همزمان

market beta

ضریب بتای بازار

market capitalization (market valuation)

تعیین ارزش بازار یک شرکت

market channels

مجاری بازار (توزیع)

market conditioning

اثرگذاری بر بازار

market conditions

شرایط بازار

market demand potential

تقاضای بالقوه بازار

market discount function

تابع تنزیل بازار، کارکرد/نقش تنزیل بازار

market equilibrium

تعادل بازار

market equilibrium point

نقطه تعادل در بازار

market expectation theory of the term

structure

تئوری انتظارات بازار ساختار زمانی نرخ بهره

market failure

شکست/نارسایی بازار، قصور بازار

market for management labor	بازار خدمات مدیران حرفه‌ای	market share variance	انحراف سهم بازار
market forces	نیروهای بازار	market size	اندازه بازار
market growth	رونق بازار، احتمال افزایش سریع قیمت‌ها	market size variance	انحراف اندازه بازار
market hours	ساعت کار بازار	market structure	ساختار بازار
market index	شاخص بازار	market study	بررسی بازار
market index of stock prices	شاخص بازار قیمت سهام	market tendency	تمایل بازار
market interest rate	نرخ بازار بهره	market tendency is falling	روند بازار رو به تنزل است
market maker	بازارساز	market tendency is upward	روند بازار رو به ترقی است
market method	روش بازار	market tests	آزمون‌های بازار
market or sales value method	روش ارزش فروش یا بازار	market timing	تعیین زمان مناسب برای انجام دادن معامله
market order	سفارش بازار، نظم بازار	market trend	روند بازار
market out clause	شرایط اضطراری	market trust	بازار انحصاری
market place	محل بازار	market value = fair value	ارزش بازار، ارزش روز
market portfolio	پرتفوی بازار، مجموعه سرمایه‌گذاری‌های بازار	market value method	روش ارزش بازار
market price	قیمت بازار	market value method for investments	روش ارزش بازار سرمایه‌گذاریها
market price list	فهرست قیمت‌های بازار	market value of stock (goods)	ارزش بازاری کالا
market price per share	قیمت بازار هر سهم	market value ratios	نسبتهای ارزش بازار
market rate	نرخ بازار، نرخ بهره پایه	market value weights	ضرایب ارزش بازار
market rate of discount	نرخ بازار تنزیل	market value-weighted index	شاخص موزون قیمت سهام
market rate of interest, market price per share	نرخ بهره در بازار	market-based price	قیمت بر پایه بازار
market rate of investment	نرخ بازار سرمایه	market-based transfer pricing	قیمت‌گذاری انتقالات داخلی بر مبنای قیمت بازار
market report	گزارش بازار	market-oriented enterprise activities	فعالیت‌های مؤسسات اقتصاد بازار
market research expense	هزینه بررسی بازار	marketability	قابلیت فروش، سهولت فروش، قابلیت مبادله
market research, market review,	بررسی (تحقیق) بازار	marketable	فروش رفتنی، قابل فروش سریع (در بازار)
market survey	بررسی (تحقیق) بازار	marketable asset	دارایی قابل فروش (در بازار)
market risk	ریسک بازار	marketable bonds	اوراق قرضه قابل داد و ستد
market risk premium	صرف مخاطره بازار	marketable debt security	اوراق بهادار بدهی قابل خرید و فروش
market risk-return function	تابع ریسک و بازده بازار		
market segmentation theory	تئوری بخش‌بندی بازار		
market share	سهم بازار		

## m

marketable equity securities	اوراق سهام قابل داد و ستد	master control account	حساب کنترل اصلی (در دفتر کل برای دفاتر فرعی)
marketable goods	کالای قابل عرضه به بازار	master file	پرونده اصلی
marketable investment	سرمایه گذاری سریع المعامله در بازار	master plan	برنامه کلان
marketable loan	وام قابل خرید و فروش	master requisition	برگ درخواست از انبار
marketable securities, street securities, trading securities	اوراق بهادار قابل داد و ستد	master schedule	برنامه زمانی کلان
marketable shares	اوراق سهام قابل داد و ستد	master-budget utilization	استفاده از بودجه جامع
marketing	بازاریابی	match	مطابقت دادن، تطبیق کردن
marketing & sales	بازاریابی و فروش	matching	مقابله، تطابق
marketing and administrative expense	هزینه بازاریابی و اداری	matching concept	مفهوم (اصل) تعلق زمانی، اصل تطابق
marketing area	منطقه توزیع کالا	matching concept of cost and income	تضمین هزینه و درآمد
marketing budget	بودجه بازاریابی	matching of cost with revenue	تطابق هزینه با درآمد
marketing channel	مجرای بازاریابی (توزیع)	matching principle	اصل تطابق، اصل مقابله هزینه‌های هر دوره با درآمدهای همان دوره
marketing consultant	مشاور بازاریابی	mate's receipt	رسید کاپیتان کشتی
marketing cost (expense)	هزینه بازاریابی	material	کالای مادی، مواد اولیه، بااهمیت، عمده
marketing cost variance	انحراف هزینه بازاریابی	material damage	خسارت مادی
marketing policy	روش بازاریابی	material effect	اثر بااهمیت، تأثیر عمده
marketplace	بازار	material error	اشتباه بااهمیت
marking	تعدیل، علامت گذاشتن	material goods	مواد، کالا، جنس، کالای مادی
marking clerk	نرخگذار (در بورس)	material handling	حمل و نقل مواد
marking quotation	قیمت گذاری، مظنه	material impact	تأثیر عمده/ بااهمیت
markup cancellation	حذف افزایش	material in process	مواد در جریان ساخت
marriage allowance	کمک ازدواج	material in transit	مواد در راه
martingale	تنظیم مقادیر برحسب دوره‌های زمانی	material information	اطلاعات مهم
mass customization	سفارش سازی انبوه	material issued	مواد صادره
mass investment	سرمایه گذاری انبوه	material issued to product	مواد صادره جهت تولید
mass market product	محصول پرفروش	material ledger card	کارت معین مواد
mass production, large scale production	تولید انبوه	material misstatement	نادرست‌نمایی، تحریف عمد، تحریف بااهمیت
master accountant, senior accountant	حسابدار ارشد	material omission	تقلب به صورت حذف تحریف بااهمیت
master budget plan	طرح بودجه جامع		
master budget volume	ظرفیت مورد انتظار، تعیین ظرفیت مورد انتظار واحد		

material on site	مواد و مصالح پای کار	materials inventory warehouse	انبار مواد خام
material price	قیمت مواد	materials issued	صدور مواد
material price variance	انحراف نرخ مواد	materials issued analysis sheet	برگ مشخصات ریز مواد
material purchase price variance	انحراف نرخ خرید مواد اولیه	materials issued at an inflated price	مواد صادره به قیمتی بیش از قیمت خرید
material quantity variance = material usage variance	انحراف مصرف مواد	materials issued in excess of requirements	مواد صادره زائد بر احتیاج
material related cost	هزینه مربوط به مواد	materials mix variance	انحراف ترکیب مواد
material requisition, material requisition form, material requisition record	برگ درخواست مواد	materials purchase budget	بودجه خرید مواد
material returned	مواد برگشتی	materials quantity variance	انحراف مصرف مواد، واریانس کمیت مواد
material returned to store	مواد برگشتی به انبار	materials requirements planning (MRP)	برنامه ریزی مواد اولیه مورد نیاز
material returned to supplier	مواد برگشتی به عرضه کننده	materials requisition	انحراف مصرف مواد، واریانس کمیت مواد
material specifications	خصوصیات مواد	materials requisition (stores issue note; stores requisition)	درخواست مواد (از انبار) (درخواست مواد)
material spoilage	ریخت و پاش مواد	materials usage budget	بودجه مصرف مواد
material transfer note	سند انتقال مواد	materials usage variance	انحراف مصرف مواد
material usage	مصرف مواد	materials yield variance	انحراف بازده مواد
material usage variance	انحراف مصرف مواد	maternity	کمک هزینه ایام استراحت بارداری
material variance	انحراف مواد	maternity benefits	مزایای ایام استراحت بارداری
material weakness	ضعف بااهمیت، نقاط ضعف عمده	maternity leave	مرخصی زایمان
material weakness in internal control	ضعف بااهمیت در سیستم کنترل داخلی	mathematical accuracy	صحت محاسباتی / ریاضی
materiality	اهمیت نسبی، بااهمیت بودن	mathematical error	اشتباه ریاضی و محاسباتی
materiality concept	مفهوم اهمیت	mature economy	اقتصاد بدون رشد
materiality principle	اصل اهمیت	matured bill	برات سررسیده
materialize	مادی کردن	matured claims	مطالبات سررسیده
materially misstated	بطور بااهمیت تحریف شده، تحریف عمده	matured debt (liability)	بدهی سررسیده
materials	مواد	maturing	در حال سر رسید
materials and services	مواد و خدمات	maturing (debt-liability)	بدهی در حال سر رسید
materials and supplies inventory	انبار مواد خام و ملزومات		
materials control	کنترل مواد		
materials cost	بهای تمام شده مواد اولیه		

m

maturing loan	وام در حال سررسید	maximum stock level holding	حداکثر سطح نگهداری موجودی
maturity	سررسید، تاریخی که یک بدهی به سررسید می‌رسد	maximum transfer price	بالاترین قیمت انتقالی
maturity amount	مبلغ در سررسید	meal allowance	فوق‌العاده غذا
maturity basis	مبنای محاسبه	mean	میانگین، متوسط
maturity date	تاریخ سررسید	mean deviation	انحراف میانگین
maturity of debt	موعد پرداخت بدهی	mean estimation	برآورد میانگین
maturity of loan	تاریخ پرداخت وام	mean per unit estimator	برآورد میانگین در هر واحد
maturity value	مبلغ بدهی هنگام سررسید، ارزش سررسید	mean return	بازده مورد انتظار
maturity value of debt	ارزش سرسیدی بدهی	mean-per-unit measurement	اندازه‌گیری (برآورد) میانگین هر واحد
maturity yield	بازده تا سررسید، ارزش سررسید، ارزش در سررسید، ارزش اسمی	means	وسایل
maximization	بیشینه‌سازی	means of clearing	وسائل (اسناد) واریز و تسویه
maximization of contribution margin, contribution margin maximization	حداکثر کردن حاشیه فروش	means of control	ابزارهای کنترل
maximization of income	حداکثر کردن درآمد	means of entry	وسیله ثبت در دفتر
maximize	به حداکثر رساندن	means of payment	وسائل پرداخت
maximize return on investment	به حداکثر رساندن بازده سرمایه‌گذاری	means of transportation	وسایل حمل و نقل
maximized investment	سرمایه‌گذاری حداکثر	measurability	قابلیت اندازه‌گیری
maximizing price	حداکثر سازی قیمت	measure	سنجیدن، اندازه گرفتن
maximum (Max)	حداکثر، بیشترین	measure unit	واحد اندازه‌گیری
maximum and minimum stock	حداکثر و حداقل موجودی در انبار	measured goods	کالای اندازه‌گیری شده
maximum capacity	حداکثر ظرفیت	measurement attributes	خاصه‌های اندازه‌گیری
maximum efficiency	حداکثر کارایی	measurement concept	مفهوم اندازه‌گیری
maximum efficiency rate	ضریب حداکثر کارایی	measurement date	تاریخ محاسبه
maximum pensions	حداکثر مستمری‌ها	measurement in terms of money	اندازه‌گیری در قالب پول
maximum period of payment	حداکثر دوره بازپرداخت	measurement of revenue	اندازه‌گیری درآمد عملیاتی
maximum price, highest price	قیمت ماکزیمم (حداکثر)	measurement process	فرآیند اندازه‌گیری
maximum pricing	قیمت‌گذاری حداکثر	measurement, evaluation	سنجش یا اندازه‌گیری
maximum stock	موجودی حداکثر	measures of dispersion	معیارهای پراکندگی
		measuring unit	واحد اندازه‌گیری
		mechanized accounting system	سیستم حسابداری ماشینی

mechanized accounts	حساب‌های مکانیزه	merchandise turnover = inventory turnover	دفعات) گردش موجودی کالا، دوره گردش موجودی جنسی
median	میانۀ توزیع، عدد وسط	merchant bank	بانک تجاری
median ratio	نسبت میانه	merchant books	دفاتر تجاری
medical insurance	بیمۀ درمانی	merchant wholesaler	عمده فروش
medium ratio	نسبت میانه	merchant, businessman, trader	بازرگان، تاجر
medium-size company	شرکت متوسط	merchtable	قابل معامله، قابل فروش
medium-term	میان مدت	merge	در هم ادغام شدن، در هم ادغام کردن، ادغام
medium-term bond	اوراق قرضه میان مدت	merger	ادغام کننده
medium-term capital	سرمایه میان مدت	merger reserve	ذخیره ادغام
medium-term contract	پیمان میان مدت	merging audit evidence	ادغام شواهد حسابرسی
medium-term debt	بدهی بلندمدت	merit bad	کالای مضر
medium-term forecast	پیش بینی میان مدت	merit good	کالای مفید
medium-term note	سند میان مدت	merit rate	درجه شایستگی
meet	ملاقات کردن، برآورده کردن، برخوردن به	merit rate of employee	درجه شایستگی کارمند
meeting	مجمع، جلسه، انجمن	message switching	مبادله پیام یا اطلاعات
melon	تقسیم سود اضافی	method of accounting for treasury stock	روش حسابداری سهام خزانه
member	عضو، کارمند	method of calculation	روش محاسبه
member of the association of accounting technicians (MAAT)	عضو انجمن تکنسین های حسابداری انگلستان	method of measurement	روش اندازه گیری
member takedown	تخفیف بین اعضا	method of neglect	روش اغماض
member's entrance fee	حق ورودیه عضو	method of pricing	روش قیمت گذاری
members of the household	افراد خانوار	method of pricing goods dispatched	روش قیمت گذاری محصول ارسالی
members' voluntary liquidation (members' voluntary winding-up)	انحلال به درخواست سهامداران شرکت	method of valuation	روش ارزیابی
memorandum account	حساب یادداشتی (توضیحی)	method of valuing	روش تعیین ارزش
memorandum of association	اساس نامه	method, policy, procedure, system	روش
memorandum of financing	برگ تامین وجوه	methods of absorbing overhead	روشهای جذب سربار
memorandum reconciliation account	حساب آماری تطبیق حسابها	methods of allocation	روشهای تخصیص
mercantile agent	نماینده تجاری، کارگزار، عامل	methods of judging efficiency	روشهای تشخیص کارائی
merchandise	کالای تجاری، موجودی کالا		
merchandise advance	پیش پرداخت کالا		
merchandise in transit	کالای بین راه		
merchandise inventory	موجودی کالا		

## m

meticulous calculation محاسبه بسیار دقیق  
 metric ton تن متریک (۲۲۰۴/۶ کیلو)  
 microeconomic theory تئوری اقتصاد خرد  
 microeconomy اقتصاد خرد  
 mid-day work کار نیمه‌روزه  
 middle paragraph explanatory, paragraph بند توضیحی (گزارش)  
 middleman, broker واسطه، کارگزار  
 milage (mileage) هزینه سفر به مایل  
 mill-based system pricing سیستم قیمت‌گذاری تحویل کارخانه  
 milliard (billion) میلیارد  
 million میلیون (هزار هزار)  
 min-max method, high-low method روش حداقل، حداکثر  
 mine معدن  
 mineral معدنی  
 mineral reserves ذخایر معدنی  
 mineral resources منابع معدنی  
 mineral rights حق بهره‌برداری از معادن  
 minimization of cost حداقل کردن بهای تمام شده  
 minimize به حداقل رساندن  
 minimum (min) حداقل  
 minimum acceptable rate of return حداقل نرخ بازده قابل قبول  
 minimum benefits حداقل مزایا  
 minimum efficiency حداقل کارایی  
 minimum initial investment حداقل سرمایه‌گذاری اولیه  
 minimum level of cash حداقل سطح موجودی نقد  
 minimum level of cash holding حداقل سطح نگهداری موجودی نقد  
 minimum old age pension حداقل مستمری بازنشستگی  
 minimum pension حداقل مستمری  
 minimum price حداقل قیمت

minimum transfer price کمترین قیمت انتقالی  
 minimum variation حداقل تغییر  
 minimum wage legislation قانون حداقل دستمزد  
 minimum wage rate حداقل نرخ دستمزد  
 ministry of commerce وزارت بازرگانی  
 ministry of cooperative وزارت تعاون  
 ministry of economic and finance وزارت امور اقتصادی و دارایی  
 ministry of finance وزارت دارایی  
 ministry of industry وزارت صنایع  
 ministry of labor and social affairs وزارت کار و امور اجتماعی  
 minor accountant, auditor, accountant assistant کمک حسابدار (حسابدار جزء)، کمک حسابدار  
 minor coin پول سیاه (پول کم بها)  
 minor defects نقائص جزئی  
 minor work کار غیراصلی، کار فرعی، کار جزئی  
 minority اقلیت  
 minority active investment سرمایه‌گذاری فعال اقلیت  
 minority holders صاحبان اقلیت  
 minority inactive investment سرمایه‌گذاری غیرفعال اقلیت  
 minority interest income سود سهامداران اقلیت  
 minority of shareholders اقلیت صاحب سهام  
 minority shareholders' right (interest) حقوق صاحبان سهام اقلیت  
 minority shareholders, minority صاحبان سهام اقلیت  
 stockholders  
 mint(ing) house ضربخانه  
 mintage, seigniorage حق‌الضرب  
 minus tick کاهش قیمت  
 minute book دفتر خلاصه مذاکرات

minute book of board of directors	دفتر خلاصه مذاکرات هیأت مدیره	mispriced securities	اوراق بهادار درست قیمت‌گذاری نشده
minute book of general meeting	دفتر خلاصه مذاکرات مجمع عمومی	misquote	اشتباه مظنه کردن
minutes of directors, minutes of board of directors	صورت جلسات هیأت مدیره	misrepresentation	اظهاریه دروغین، القاء شبهه، قلب حقیقت، بیان کاذب
minutes of general meeting	صورت جلسات مجمع عمومی	missdemeanour	گناه، تقصیر
misapplication	بکارگیری نادرست	missed discount	تخفیف از دست رفته
misappropriation	استفاده نادرست، حیف و میل، تخصیص نادرست (در حسابداری دولتی)	missed income, lost revenue	درآمد از دست رفته
misappropriation on wages	اختلاس دستمزد	missed revenue	عایدی از دست رفته
miscalculate	اشتباه حساب کردن	missing asset	دارایی مفقود (ناپیدا)
miscalculation	محاسبه غلط	missing documents	اسناد و مدارک مفقود شده
miscellaneous	متفرقه	missing links	حلقه‌های مفقوده
miscellaneous asset	دارایی متفرقه	missing the market	از دست دادن بازار
miscellaneous control account	حساب کنترل مخارج متفرقه	mission statement	بیانیه رسالتها و اهداف کلان
miscellaneous expense, other expense	هزینه متفرقه	misstated items	اقلام تحریف شده
miscellaneous revenue	درآمد متفرقه (کم‌اهمیت)	misstatement	ارائه نادرست، تحریفات
miscellaneous bank charge	هزینه متفرقه بانکی	misstatement bounds	حدود بالا و پایین
miscellaneous income	درآمد متفرقه	misstatements of facts	تحریف حقایق
misclassification	طبقه‌بندی نادرست	misunderstanding	سوء تفاهم، درک نادرست
misconduct	سوء اداره	misuse of public funds	القاء شبهه، قلب حقیقت، بیان کاذب، بیان خلاف واقع
miscount	بد شمردن (بد حساب کردن)	mix	مخلوط کردن، قاطی شدن
misfeasance	استفاده نادرست، حیف و میل، تخصیص نادرست (در حسابداری دولتی)	mix ratio	نسبت ترکیب (نسبت) ترکیبات
misinterpretation	تفسیر نادرست، سوء تعبیر	mix variance	انحراف ترکیب
misleading	گمراه کننده، گمراه کردن	mixed	مختلط
misleading financial statements	صورت‌های مالی گمراه کننده	mixed account	حساب مختلط
mismatching of cost with revenue	عدم تطابق دقیق هزینه‌ها با درآمد	mixed cost	هزینه مختلط، هزینه‌های نیم متغیر
		mixed cost formula method	روش فرمول هزینه مختلط
		mixed cost items	اقلام مختلط بهای تمام شده
		mixed policy	بیمه‌نامه مختلط
		mixed tariff	تعرفه مختلط
		mixed variance	مغایرت ترکیبی
		mode of transportation	شیوه و روش حمل و نقل
		model	مدل، الگو



## m

moderate income	درآمد متوسط	monetary asset	دارایی پولی
moderate priced goods	کالای با قیمت معقول	monetary assumption	فرض واحد پولی، فرض ثبات واحد پولی
modern accounting	حسابداری روزآمد (مدرن)	monetary authorities	مقامات پولی
modern auditing	حسابرسی نوین	monetary cash-basis accounting	حسابداری نقدی تعدیل شده
modernized bookkeeping	دفترداری مدرن	monetary compensation	پاداش پولی
modification of books of accounts	تغییر شکل دفاتر حساب	monetary current asset	دارایی جاری پولی
modification of terms	تعدیل شرایط	monetary current liabilities	بدهیهای جاری پولی
modified	تعدیل شده، تجدیدنظر شده	monetary data	اطلاعات پولی
modified accelerated cost recovery system	سیستم تعدیل شده باز یافت سریع بهای تمام شده	monetary debt	بدهی پولی
modified account	حساب تغییر شکل داده	monetary errors	اشتباه در ثبت
modified accrual basis	روش تعهدی اصلاح شده	monetary gain or loss	سود و زیان پولی
modified auditor's report	گزارش تعدیل شده حسابرس	monetary gold	طلای بانکی
modified books (ledgers)	دفاتر تغییر شکل داده	monetary incentives	انگیزه‌های پولی
modified cash basis	مبنای نقدی تعدیل شده، روش نقدی اصلاح شده	monetary item	قلم پولی
modified equity method	روش ارزش ویژه تعدیل شده	monetary measure allocation	تخصیص بر اساس معیار پولی
modified historical cost accounting system	سیستم بهای تمام شده تاریخی تعدیل شده	monetary measurement convention	اصل محاسبه اقلام پولی
modified temporal method	روش موقت اصلاح شده	monetary order	حواله بانکی
modified treasury stock method	روش تعدیل شده سهام خزانة	monetary policy	سیاست پولی
modifying language	عبارت تعدیلی	monetary principle	اصل ثابت انگاشتن واحد پول، اصل واحد پول
module	بخش، قسمت، واحد	monetary reserve(s)	اندوخته(های) پولی
molding forces	شکل دهنده‌ها	monetary risk	مخاطره پولی
momentum	شتاب	monetary stock	موجودی پولی
monetarist	طرفدار نظریه پول	monetary system	سیستم پولی
monetary	پولی	monetary transactions	مبادلات پولی
monetary amount	میزان (مبلغ) پولی	monetary unit	واحد پولی
		monetary unit assumption	فرض (ثبات) واحد پولی
		monetary unit concept	اصل اتخاذ واحد پول در محاسبه
		monetary unit sampling	نمونه‌گیری بر اساس واحد پول

monetary value	ارزش پولی	money terms	ارزش پولی
monetary working capital	سرمايه در گردش پولی، پول در محاسبه	money wages	دستمزد نقدی (پولی)
monetary working capital adjustment	تعدیل سرمايه در گردش پولی	money-off offer	فروش با تخفیف
monetary working capital adjustment	تعدیل سرمايه در گردش پولی	money-refund offer	فروش قابل پس دادن
monetary-nonmonetary method	روش پولی - غیرپولی	moneyed resources	منابع پول نقد
monetization	تبدیل به پول	moneyed, man of money	پول دار
monetization of debts	تبدیل به پول کردن دیون	monitoring value	ارزش نظارتی
monetizing	تبدیل به پول کننده	monopolies and mergers commission	کمیسیون انحصارها و ادغامها
money	پول، وسیله مبادله	monopolist	انحصارگر
money back	تضمین بازپرداخت	monopolistic	انحصاری
money center banks	بانکهای بزرگ جهانی	monopolistic competition	رقابت انحصاری
money changing	صرافی پول	monopolistic right, franchise, exclusive right	حق انحصار
money charger	صراف پول، متخصص ارز	monopoly	انحصار، بازار انحصار کامل، انحصار خرید کالا
money converted into foreign currency	پول تبدیل شده به ارز خارجی	monopoly price	قیمت انحصاری
money cost	هزینه نقدی (پولی)	monopoly revenue	عایدی انحصاری
money economy	اقتصاد پولی	monopsony	بازار در انحصار خریدار
money equivalent	معادل پول، برابر پولی	monotonous application of cost	سرشکنی (تسهیم) یکنواخت هزینه
money income	درآمد پولی (نقدی)	monotonous auditing	حسابرسی یکنواخت
money interest	بهره نقدی	monthly allowance	مقررری ماهانه
money laundering	پول شویی یا تطهیر پول	monthly closing date	تاریخ بستن ماهیانه حسابها
money making	پول ساختن (جمع کردن)	monthly closing entry	ثبت اختتامی ماهانه
money market	بازار پول	monthly physical count	شمارش فیزیکی ماهانه، انبارگردانی ماهانه
money market line	خط بازار پول	monthly posting	نقل ماهانه (ارقام یا مانده حساب)
money measurement	واحد اندازه گیری بر حسب پول	monthly rent	اجاره ماهانه
money order, transfer (money),	حواله پول/ حواله، وجه واگذاری	monthly report	گزارش ماهانه
remittance	حواله پول/ حواله، وجه واگذاری	monthly salary	حقوق ماهیانه
money rate of interest	نرخ پولی بهره (نرخ نقدی بهره)	monthly wages worker	کارگر مزدبگیر ماهیانه
money spread	شکاف قیمتی	moral control	کنترل اخلاقی
money stock	حجم پول	moral hazard	خطر اخلاقی
money supply	عرضه پول		

## m

moral hazard phenomenon	پدیده خطر اخلاقی	motor vehicles	وسایل نقلیه موتوری
moratorium to pay tax	مهلت قانونی پرداخت مالیات	mould	قالب ریزی کردن، قالب گرفتن
moratorium, usance	مهلت، تمدید قرارداد، مهلت پرداخت بدهی	movable property = movables	اموال منقول
moratory interest, late interest	بهره دیرکرد	moving average	میانگین متحرک
mortal asset	دارایی از بین رونده (فناپذیر)	moving average process	فرایند مبتنی بر میانگین متحرک
mortality	استهلاک پذیری دارایی	moving budget = continuous budget	بودجه متغیر
mortality chart	نمودار استهلاک پذیری	moving expense	هزینه جابه جایی
mortality curve	منحنی مرگ و میر	multi programming systems	سیستم های چندبرنامه ای
mortality of asset	فناپذیری دارایی	multi-alternative decision	تصمیم بین چند گزینه
mortality of stock	فناپذیری موجودی کالا	multi-column journal	دفتر روزنامه چندستونی
mortgage	گروه، رهن، وثیقه	multi-shift	چند نوبتی
mortgage bank, pawn bank	بانک رهنی	multi-shift work	کار چندنوبتی
mortgage bond	اوراق قرضه رهنی	multi-stage consolidation	تلفیق چندمرحله ای
mortgage certification	گواهینامه رهنی	multi-step income statement	صورت سود و زیان چند مرحله ای
mortgage creditor	طلبکار با وثیقه	multilateral trade	تجارت چندجانبه
mortgage debt	بدهی رهنی	multilateral transport	حمل و نقل چندمنظوره
mortgage deed	سند رهن	multilevel affiliation	خرید و ادغام شرکت ها
mortgage loan, loan on mortgage	وام رهنی، وام با وثیقه	multinational company	شرکت چندملیتی
mortgage market	بازار رهن	multinational corporation	شرکت فراملیتی، شرکت (سهامی) چندملیتی
mortgage note payable	سند پرداختنی رهنی	multi-phase sampling	نمونه گیری چندگانه
mortgage notes	اسناد وثیقه	multiple breakeven points	وجود چند نقطه سربه سر
mortgage payable	دیون رهنی	multiple costing	هزینه یابی مرکب (چند محصول)
mortgage pool	اوراق قرضه رهنی	multiple currency system	نظام چندنرخ ارز
mortgage, pledge	گرو گذاشتن، رهن گذاشتن	multiple exchange rate	نرخ چندگانه ارز
mortgaged	به رهن گذاشته شده	multiple rate	نرخ ترکیبی
mortgaged asset	دارایی رهنی (به رهن گذاشته شده)	multiple relationships	روابط چندگانه
mortgaged company	شرکت رهنی		
mortgagee	گروگیرنده، شخص یا سازمانی که دارایی نزد آن گروه گذارده شود.		
mortgagor	وام دهنده		
mosaqt	مساقات (عقد مساقات)		
motivation	انگیزش، انگیزه، تشویق		
motivational cost	میانگین متحرک		

multiple sampling	نمونه‌گیری چندگانه
multiple services	خدمات چندگانه
multiple solution rates	نرخ‌های بازده متعدد
multiple step income statement	صورت سود زیان چند مرحله‌ای
multiple tariff system	سیستم تعرفه متعدد
multiple taxation	مالیات‌بندی ترکیبی
multiple-line underwriting	پذیره‌نویسی چندجانبه
multiple-product pricing	قیمت‌گذاری چند محصول
multiple-step format	شکل چند مرحله‌ای
multiplied by number of insured years	ضربدر سنوات حق بیمه
multiplier effect	ضرب تکاثر درآمد
multiplier principle of investment, investment multiplier	ضرب افزایش سرمایه‌گذاری
multiproduct firm	شرکت چند محصولی
multipurpose testing	آزمون چند منظوره
multistage sampling	نمونه‌گیری چند مرحله‌ای
municipal bond	اوراق قرضه شهرداری‌ها
mutual agreement (contract)	قرارداد متقابل
mutual fund	صندوق مشترک سرمایه‌گذاری
mutual fund custodian	امانت‌دار
mutual fund open-end fund	شرکت سرمایه‌گذاری محدود
mutual investment	سرمایه‌گذاری متقابل
mutual investment funds	وجوه سرمایه‌گذاری متقابل
mutual recognition directive	مقررات شناسایی متقابل

# N n

naked contract	قرارداد بی پشتوانه (بی تضمین)	national debt	قرض ملی، بدهی دولت
name bond	سند قرضه با نام	national economy	اقتصاد ملی
name brand	نام تجاری مشهور	national expenditure, national cost (expense)	هزینه ملی
name plugging	تکرار نام یا علامت تجاری	national income accounting	حسابداری درآمد ملی
name tag, label	برچسب، کارت مشخصات	national income, social income	درآمد ملی
named port of destination	بندر مقصد مشخص	national product	(تولید) محصول ملی
named port of shipment	بندر مشخص برای حمل	national wealth	ثروت ملی
named vessel	کشتی مشخص	nationalized company	شرکت ملی شده
narration	شرح معامله	natural interest	بهره عادی، بهره معمولی
narrative form = report form	فرم گزارش	natural interest rate	نرخ بهره طبیعی
narrow market	بازار کم عمق	natural person	شخص حقیقی
narrowing the spread	کاهش حاشیه سود	nature of inventories	ماهیت موجودیها
national accounting	حسابداری ملی	near cash	شبه نقد
national auditing standards	استانداردهای ملی حسابرسی	necessity, requirements	ضرورت، وجوب
national bank	بانک ملی	negate	نفی کردن، انکار کردن
national brand	نشان ملی	negative assurance	اطمینان منفی، اظهار نظر منفی حسابرس در مورد صورت های مالی صاحب کار
national budget	بودجه ملی	negative balance / adverse balance	مانده منفی
national capital	سرمایه ملی	negative cash flow	جریان نقدی منفی
national commission on fraudulent financial reporting	کمیسیون ملی رسیدگی به تقلب در گزارش های مالی	negative confirmation	تأییدیه منفی (در حسابرسی)
national committee on government accounting	کمیته ملی حسابداری دولتی	negative correlation	همبستگی منفی
national council on governmental accounting	شورای ملی حسابداری دولتی	negative equity	سرمایه منفی
		negative goodwill	سرقفلی منفی
		negative interest	بهره منفی

negative opinion	نظر منفی	net asset	خالص دارایی‌ها، ارزش ویژه
negative pledge clause	شرط عدم در رهن گزاردن دارایی	net asset value	خالص ارزش داراییها
negative verification	تأییدیه منفی	net asset value (NAV)	خالص ارزش دارایی
negative working capital	سرمایه در گردش منفی	net avails	خالص مبلغ
negative yield curve	منحنی بازده منفی	net back price	قیمت پس از کسر مخارج
negligence, neglect	سهل‌انگاری، اهمال، غفلت، قصور، کوتاهی	net benefit	منفعت خالص
negligible value	بدون ارزش	net book value	خالص ارزش دفتری
negotiability	قابل معامله، انتقال‌پذیری	net book value (NBV)	خالص ارزش دفتری
negotiable / non negotiable	قابل معامله / غیر قابل معامله	net borrowings	خالص وام‌ها
negotiable assets	داراییهای قابل معامله (قابل انتقال)	net capital requirement	خالص سرمایه مورد نیاز
negotiable bill	برات قابل انتقال (به وسیله ظهرنویسی)	net carrying amount	خالص ارزش دفتری، خالص ارزش ثبت شده
negotiable certificate of deposit	گواهی سپرده بانکی قابل معامله	net cash	خالص وجوه نقد
negotiable check	چک قابل نقل و انتقال (داد و ستد)	net cash currency	نقد خالص ارزی
negotiable papers	اوراق و اسناد قابل انتقال	net cash flow	گردش خالص وجوه نقد
negotiable securities	اوراق بهادار قابل معامله	net current assets	خالص دارایی‌های جاری
negotiable warehouse receipt	رسید انبار قابل معامله	net current replacement cost	خالص ارزش جاری جایگزینی
negotiatble error	اشتباه قابل گذشت	net domestic product	تولید خالص داخلی
negotiated transfer pricing	قیمت‌گذاری توافقی انتقالات داخلی	net export of goods and services	خالص صادرات کالا و خدمات
negotiated underwriting	تعهد خرید قراردادی	net funds	خالص منابع، خالص وجوه
negotiating bank	بانک معامله کننده، بانک کارگزار	net identifiable assets	خالص داراییهای قابل شناسایی
negotiation	مذاکره و گفتگو به منظور حل اختلاف و توافق	net income	سود خالص / ویژه
net	خالص	net income approach	روش سود خالص
net (value-worth)	ارزش خالص	net interest, pure interest	بهره خالص
net = network	شبکه	net investment	خالص سرمایه گذاری
net advantages	مزایای خالص	net lease	اجاره خالص
net application of funds	خالص مصارف وجوه	net liquid assets	خالص دارایی‌های نقدشدنی
		net loss	زیان خالص / ویژه
		net margin	خالص سود ناویژه
		net mark up	خالص افزایش قیمت فروش
		net monetary assets	خالص دارایی‌های پولی
		net monetary items	خالص اقلام پولی
		net operating income approach (NOI)	روش سود عملیاتی

net operating loss	خالص زیان عملیاتی	nominal value	ارزش اسمی
net payment	خالص پرداخت	nomination of directors	کاندید شدن مدیران
net payment of salary	خالص پرداخت حقوق	nomination of inspectors	کاندید شدن بازرسان قانونی
net premium, pure premium	حق بیمه خالص	nominee	نامزد، نماینده
net present value (NPV)	خالص ارزش فعلی	non cash asset	دارایی غیر نقد
net realizable value (NRV)	خالص ارزش قابل تحقق، خالص ارزش بازیافتنی	non convertible preferred stock	سهام ممتاز غیر قابل تبدیل
net value, net worth, equity, right	ارزش ویژه	non current liabilities	بدهی های غیر جاری
net working capital	خالص سرمایه در گردش	non interest bearing loan, non - interest loan, interest free loan, loaned flat	وام بدون بهره
net worth	ارزش ویژه	non management fraud	تقلب غیر مدیریتی
net worth to fixed assets ratio	نسبت ارزش ویژه به دارایی های ثابت	non par value	به غیر بهای اسمی
net worth to long-term debt ratio	نسبت ارزش ویژه به بدهی های بلندمدت	non tariff barriers	موانع غیر تعرفه ای
net yield	بازده خالص، بازده ویژه	non value added operations (activities)	عملیات فاقد ارزش افزوده
next in first out (NIFO)	اولین صادره از وارده آتی (بعدی)	non voting stocks	سهام بدون حق رأی
niche	قدرت نفوذ، داشتن امتیاز	non-acceptance of bill	عدم قبولی برات
night shift	نوبت کار شب	non-acceptance	عدم قبولی
nil paid shares	سهام بدون پرداخت	non-adjusting event	رویداد غیراصلاحی، وقایع غیر تعدیلی
nominal capital, authorized capital, authorized capital stock	سرمایه اسمی (مجاز)، سرمایه ثبت شده	non-audit services	خدمات غیر حسابرسی
nominal damages	خسارت صوری	non-audited financial statements, unaudited statements	صورت های مالی حسابرسی نشده
nominal interest rate	نرخ بهره اسمی، نرخ بهره اعلام شده	non-business day	روز غیر کاری
nominal interest, stated interest	بهره اسمی	non-cash activities	فعالیت های غیر نقدی
nominal ledger (general ledger)	دفتر کل	non-cash contribution, contribution-in-kind	آورده غیر نقدی، سرمایه گذاری غیر نقدی
nominal owner	مالک اسمی	non-cash cost (expense, expensediture)	هزینه غیر نقدی
nominal price	ارزش اسمی	non-cash items	اقلام غیر نقدی
nominal quotation	گرفتن مظنه قیمت	non-commercial establishment	مؤسسه غیر تجاری
nominal rate (of interest) = coupon rate	نرخ بهره اسمی یا اعلام شده	non-commercial profit oriented establishment	مؤسسه غیر تجاری انتفاعی
nominal share capital	سرمایه ثبت شده		

non-compete agreement	توافق عدم رقابت	non-recurring income, perquisite	درآمد غیرمستمر
non-confirmed credit	اعتبار تایید نشده	non-recurring items	اقلام غیرتکراری
non-confirmed letter of credit	اعتبار اسنادی تایید نشده	non-refundable	غیر قابل استرداد
non-conformity	عدم تطابق	non-resident	غیر ساکن، ساکن نبودن در یک کشور
non-controllable costs (expenses)	مخارج غیر قابل کنترل	non-returnable containers	ظروف غیر قابل برگشت
non-controllable inventory	موجودی انبار غیر قابل کنترل	non-revolving bank facility	اعتبار با دوره تنفس
non-convertible preferred stock	سهام ممتاز غیر قابل تبدیل	non-taxable	غیر مشمول مالیات
non-cumulative dividend	سود سهام غیر انباشته	noncallable	غیر قابل باز خرید
non-current	غیر جاری	noncancelable lease agreement	قرارداد اجاره غیر قابل فسخ
non-current asset	دارایی غیر جاری	noncash assets	دارایی های غیر نقد
non-delinsilile L/C	اعتبار اسنادی غیر قابل تقسیم	noncash compensation	حقوق و مزایای غیر نقدی
non-delivery	تحویل ندادن	nonhomogenous events	رویدادهای ناهمگن
non-depreciable assets	داراییهای استهلاک ناپذیر	nonmonetary items, non-monetary items	اقلام غیر پولی
non-distributable reserve	اندوخته غیر قابل توزیع (غیر قابل تقسیم)	nonmonetary liability	بدهی غیر پولی
non-equity share	سهام با حقوق محدود	nonmonetary transactions	معامله غیر پولی
non-essential loan	وام غیر ضروری	nonmonetary transfer	مبادله غیر پولی
non-execution	عدم اجرا	nonoperating	غیر عملیاتی
non-executive	غیر موظف	nonoperating gain and loss	سود و زیان غیر عملیاتی
non-executive director	مدیر غیر اجرایی	nonsufficient fund check	چک بلامحل، چک برگشت شده به علت کسر موجودی
non-financial income	درآمد غیر مالی	nontariff measures (NTMs)	اقدامات غیر تعرفه ای
non-fund items	اقلام غیر مرتبط با وجوه	nontariff trade barriers	موانع تجاری غیر تعرفه ای
non-homogenous financial data	اطلاعات مالی ناهمگن	norm	هنجار، قاعده
non-profit	غیر انتفاعی	normal	عادی
non-profit organizations (company)	مؤسسات، سازمانهای غیر انتفاعی	normal (wastage-spoilage), abnormal spoilage (wastage)	ضایعات غیر عادی
non-profitable, uneconomic	غیر اقتصادی، غیر سودمند	normal activity level	سطح فعالیت عادی
non-recurring	غیر مستمر	normal capacity = average capacity	ظرفیت اسمی، ظرفیت عادی
non-recurring cost (expense)	هزینه غیر مستمر		



normal conditions	شرایط عادی	notes receivable	اسناد دریافتنی
normal financing principles	اصول معاملات دوجانبه (دو کشور)	notes receivable account	حساب اسناد دریافتنی
normal hours of work	ساعات عادی کار	notes receivable discounted	اسناد دریافتنی تنزیل شده
normal idle times	اوقات بیکاری عادی	notes register	دفتر ثبت اسناد
normal income	درآمد متعارف	notes to financial statements	یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی
normal labor hours, idle hours	ساعات بیکاری	notes to the balance sheet	یادداشت‌های پیوست ترازنامه
normal level of activity	سطح عادی فعالیت	notes, documents	اسناد (اسکناسها، سفته‌ها)
normal shrinkage (spoilage)	آبرفتگی عادی، ضایعات عادی	notes, securities, valuable bills	اوراق بهادار
normal waste	ضایعات عادی	notesunsecured	اوراق بدون وثیقه (بدون تضمین)
normalize	عادی کردن	notice	اختباریه (اطلاعیه)، تذکر، توجه کردن، فهمیدن، پی بردن
normative	هنجاری، دستوری	notice of change	یادداشت (نامه) تغییرات
norminal cost	هزینه اسمی	notification	ابلاغ، اعلام، اخطاریه
norminal rate of interest	نرخ اسمی بهره	notification of intended return	برگشت کالا
not accrued	بدست نیامده	notify	خبر دادن، مطلع ساختن، توجه دادن
not charged, not accounted for	به حساب نیامده (به حساب منظور نشده)	notifying bank	بانک اعلام‌کننده (بانک کارگزار)
not for profit organization	سازمان غیرانتفاعی	notional profit	سود ظاهری
not matured debt	بدهی موعد نرسیده	notional rent	مال‌الاجاره فرضی
not negotiable	غیر قابل انتقال	notorious-ill named partner	شریک بدنام
not on charge	به حساب نیامده	null and void	کان لم یکن، بی‌اثر
not rated	بدون درجه اعتبار	number of days of sickness	تعداد روزهای بیماری (بیمه شده)
notary public, registry	محضر، دفتر اسناد رسمی، دفترخانه	number of dependents	تعداد افراد تحت تکفل (بیمه شده)
note	تبصره، یادداشت، اسکناس، سفته، توجه کردن، دقت کردن، یادداشت کردن	numerator	صورت کسر، مقسوم
note receivable discounted	سند دریافتنی تنزیل شده	numerical calculation	محاسبه عددی (رقمی)
note-cover	پشتوانه	numerical scale point for importance	ضریب کمی اهمیت، ضریب مقداری اهمیت
notes of meetings	صورتجلسات	numerical value	قدر مطلق
notes paid	اسناد پرداختی		
notes payable account	حساب اسناد پرداختنی		
notes payable, bills payable, documents payable	اسناد پرداختنی		



object	موضوع (هزینه)	obligations incurred	تعهدات انجام شده
object (objective) statement	صورت وضعیت موضوعی	obligations outstanding	تعهدات معوق
object classification of cost	طبقه‌بندی موضوعی هزینه	obligations under capital lease	تعهدات اجاره سرمایه‌ای
objective	عینی، واقع‌بینانه، هدف (بلندمدت)	obligative-irrevocable contract	عقد لازم
objective classification	طبقه‌بندی عینی (هزینه‌ها)	obligatory decrease of capital, obligatory event	کاهش اجباری سرمایه
objective evidence	شواهد عینی، سند مثبت	obligatory event	رویداد تعهدآور
objective function	تابع مورد هدف	obscure	کدر کردن، تیره و تار ساختن
objective information	اطلاعات عینی	observance evidence	شواهد مشاهده شده
objective measurability	قابلیت اندازه‌گیری عینی	observation	مشاهده
objective professional judgement	قضاوت حرفه‌ای بی طرفانه	observation frequency	فراوانی مشاهده شده
objective test	آزمون عینی	observation test	آزمون مشاهدات
objective value	ارزش عینی، ارزش بازار	observe	مشاهده کردن، رعایت کردن
objectives of financial reporting	اهداف گزارشات مالی	obsolescence	فرسودگی (کهنگی)، نابابی
objectives of financial statements	اهداف صورت‌های مالی	obsolescence	ناباب یا منسوخ شدن، نابابی
objectivity	عینیت (عینی بودن)	obsolescent, obsolete	ناباب، از مد افتاده
objectivity principle	اصل عینیت	obsolete stocks (product)	موجودی غیرمستعمل (متروک)
objects clause	اهداف صورتهای مالی، بند مربوط به هدف تشکیل سازمان	obtain, to acquire	بدست آوردن (دارایی یا مال)
obligate	متعهد کردن، ملزم ساختن	accommodation	توافق، مساعدت، قرار
obligation	تعهد، بدهی	occupancy expense	هزینه اشغال فضا
obligations and duties	تعهدات و وظایف	occupation tax	عوارض کسب
		occupational accidents	حوادث شغلی، حوادث ناشی از کار
		occupational disease	بیماری شغلی، بیماری ناشی از کار

occupational pension scheme	برنامه بازنشستگی کارکنان	offer commercial	پیشنهاد (تجارتی)
occupational safety	حفاظت کار	offer price	قیمت پیشنهادی
occupational tax	مالیات پیشه‌وران و اصناف	offer wanted	گرفتن مظنه قیمت خرید
occupied capacity	ظرفیت بکار گرفته شده (اشتغال)	offer, propose	پیشنهاد کردن، تعارف کردن، عرضه
occupy	به تصرف درآوردن، اشغال کردن	offeree	طرف قبول
occur, take place	رخ دادن، اتفاق افتادن	offering	عرضه سهام
occurrence	رخداد، رویداد	offering circular	اعلامیه فروش
occured items	اقلام ایجاد شده	offering date	تاریخ عرضه
occurrence and existence	وقوع معامله و وجود مال	offering price	قیمت پیشنهادی
of contract	پیمانکار عمومی (پیمانکار انواع پیمانها)	office en route	دفتر گمرکی بین راهی
of price fluctuation	ترقی و تنزل قیمت (نوسان قیمت)	office equipment	تجهیزات یا اثاثه اداری
of relative cost	ضریب هزینه نسبی	office furniture and fixtures	اثاثیه و لوازم اداری
off balance sheet items	اقلام زیر ترازنامه	office hours	ساعات اداری
off balance sheet risk	ریسک تأمین مالی خارج از ترازنامه	office of departure	دفتر گمرکی مبدأ
off risk	خالی از خطر، بدون ریسک	office of destination	دفتر گمرکی مقصد
off-board	معاملات خارج از بورس	office of loading	دفتر گمرکی بارگیری
off-line	گسسته، منفصل	office of paying master	دفتر رئیس پرداخت
off-setting	تهاتر، پایاپای	office of unloading	دفتر گمرکی تخلیه
off-setting asset account	حساب کاهنده دارایی	office supplies	ملزومات اداری
off-setting error	اشتباه متقابل، اشتباه جبرانی	officer	مأمور، افسر، عضو هیأت رئیسه
off-shore	دور از کرانه، مقابل ساحل، واقع در فلات	officer, executive director	مدیر اجرایی
off-type	ناجور، مغایر با نوع عادی و معمولی	officers of a company	مدیران و مقامات ارشد یک شرکت
offence	جرم، لغزش، تخلف	official discount rate	نرخ رسمی تنزیل
offend	تخلف کردن، مرتکب خلاف شدن	official document (paper)	سند رسمی
offender	متخلف	official list	فهرست رسمی
offer acceptanceand	اشتباه متقابل، اشتباه جبرانی	official receiver (OR)	مسئول یا مأمور اداره امور ورشکستگی
offer and acceptance	ایجاب و قبول (در معاملات)	official, administrative	رسمی، اداری
offer and demand	عرضه و تقاضا	officials, responsibilities	مسئولین، مقام‌های رسمی
		offset	معامله افسست، تسویه، پایاپای، خنثی کردن
		offset clearing	حساب کاهنده، حساب متهااتر
		offset debt, reciprocal debt	پایاپای (تهاتر)
			بدهی متقابل (در مقابل طلب)
		offset requirement	شرط پایاپای (نیاز جبرانی)

offsetting entry, contra entry	on board B/L	بارنامه روی کشتی
ثبت متقابل (بدهکار در مقابل بستانکار)	on both sides	در هر دو طرف
offsetting asset accounts	on call	آماده خدمت
حساب‌های کاهنده دارایی	on cash basis	نقداً
offsetting cost with revenue	on consignment	امانی
تفاوت درآمد با بهای تمام شده	on cost	هزینه سربار تولید (هزینه) سربار تولید،
offsetting errors, compensating errors		هزینه‌های غیرمستقیم تولید
دو اشتباه که یکدیگر را خنثی کنند،	on cost labor (work), indirect labor	کار غیرمستقیم
اشتباهات متقابل	on cost transfer pricing	قیمت‌گذاری انتقالات داخلی بر مبنای قیمت تمام شده
offshore account	on credit, on account, charge account	نسبه
حساب برون‌مرزی		روی عرشه / زیر عرشه deck
offshore banking	on demand	عنداللزوم
بانکداری برون‌مرزی	on hand	موجود، در دست
offshore company	on hire	کرایه‌ای (اجاره‌ای)
شرکت فراساحل	on margin	خرید اعتباری اوراق بهادار
offshore contract	on my account	به حساب خود
قرارداد در خارج از کشور	on offer	آماده ترخیص داخلی
offshore fund	on risk / hazard (exposure)	در معرض خطر/ (در معرض) خطر، تصادف
صندوق برون‌مرزی		به رویت، دیداری (مدت‌دار)
oil ministry pension fund	on site tour	بازدید از محل کار (واحد مورد رسیدگی)
صندوق بازنشستگی وزارت نفت		قیمت فی‌المجلس
old age benefits	on the way	در سر راه
عواید ایام پیری	on time (on sight, on demand)	مدت‌دار (به رویت، عندالزوم)
old age insurance	on us	عهده ما
بیمه پیری، بیمه کهولت	on-cost, indirect cost (expense),	هزینه غیرمستقیم
old age pension	indirect expense	پردازش مستمر
حقوق بازنشستگی سالخوردگی	on-line processing	پیوسته، بیدرنگ
old age pension fund	on-line, real-time	آموزش ضمن خدمت
صندوق بیمه بازنشستگی	on-the-job training	عملکرد بموقع
old age retirement	on-time performance	سهام بدون رأی
بازنشستگی ناشی از پیری	on-voting share	هزینه اضافی، هزینه غیرمستقیم
old age salary	oncost	
حقوق دوران سالخوردگی		
old, aged		
کهنه (قدیمی)، کهنگی		
oldness of asset, age of asset		
قدمت دارائی		
oligopoly		
رقابت چندجانبه، انحصار چندگانه، بازار انحصاری چند فروشنده		
oligopsony		
انحصار خرید		
omicile, residence		
اقامتگاه (اقامتگاه اداری)		
omitted dividend		
سود پرداخت نشده		
on account (O/A)		
بطور علی‌الحساب		
on account of		
بابت		
on account prior years		
علی‌الحساب سنواتی		
on account-current year		
علی‌الحساب جاری		
on approval		
به شرط		
on behalf of		
از طرف		
on board / afloat		
در کشتی/ در حرکت، شناور		

one man company	شرکت یک نفره	open-end investment company	شرکت سرمایه‌گذاری با سرمایه متغیر (نامحدود)
one shift work	کار یک‌نوبتی	open-end mortgage	رهن آزاد (نامحدود)
one shift worker	کارگر یک‌نوبتی	open-ended mutual funds	یک صندوق مشترک سرمایه‌گذاری که تعداد سهام آن مشخص نیست
one-line consolidation	تلفیق تک‌سطری	opening balance	مانده افتتاحیه، مانده اول دوره، مانده انتقالی به دوره بعد
one-price policy	سیاست قیمت واحد	opening balance sheet	ترازنامه افتتاحیه اختتامی، تراز آزمایشی پس از بستن حسابها و انجام ثبتهای تعدیلی
one-shift operations	عملیات یک‌نوبتی	opening bank	بانک بازکننده اعتبار
one-side confidence interval	بازده اطمینان یک‌طرفه	opening books	افتتاح حسابها، افتتاح دفاتر
one-transaction method	روش مبتنی بر یک رویداد مالی	opening entry	افتتاح حسابها، ثبت افتتاحی
one-variance approach	روش تک‌انحرافی	opening inventory	موجودی کالای ابتدای دوره
onerous contracts	قرارداد تحمیلی، قرارداد زیان‌آور	opening stock	موجودی افتتاحیه (اول دوره)، موجودی کالا اول دوره
onshore contract	قرارداد در داخل کشور	opening the books	افتتاح حسابها، نقل مانده حسابها به دفاتر جدید
onus	مسئولیت، تعهد	opening trial balance	تراز آزمایشی افتتاحیه
open check	چک باز، چک نقدشدنی	operable time	زمان آمادگی، زمان دسترسی
open contract	قولنامه	operate, practice	عمل کردن
open discount market	بازار تنزیل آزاد	operating	عملیاتی، فعالیت یک سازمان
open doors	در(ها)ی باز، دروازه‌های باز (اقتصاد)	operating (income-profit)	سود عملیاتی
open doors policy	سیاست درهای باز (بازرگانی)	operating (period-cycle), cycle of	دوره گردش عملیات
open item file	پرونده اقلام باز	operations	عملیات
open letter of credit	اعتبار اسنادی باز	operating activities, operational	فعالیت‌های عملیاتی
open market operations	عملیات بازار آزاد	operating and financial review	بررسی وضع مالی و عملیاتی شرکت
open market rate	نرخ بازار آزاد	operating asset	دارایی فعال (مؤثر در بهره‌برداری)
open market value (OMV)	ارزش دارایی در بازار آزاد	operating capability	توان عملیاتی
open order	سفارش باز	operating capability maintenance	حفظ توان عملیاتی
open outcry	حراج حضوری	operating cash inflows	جریانهای وجه نقد ورودی حاصل از عملیات
open policy	بیمه‌نامه باز، بیمه‌نامه قابل تغییر		
open treaty	معاهده باز		
open-end bonds	اوراق قرضه آزاد		
open-end budget	بودجه نامحدود		
open-end company (or trust)	صندوق مشترک سرمایه‌گذاری		
open-end fund	صندوق مشترک سرمایه‌گذاری با سرمایه نامحدود (متغیر)		

operating cycle	چرخه عملیات، دوره عملیاتی، گردش عملیات	operation leverage	اهرم عملیاتی
operating earnings	عایدات عملیاتی	operation research	تحقیق عملیات
operating effectiveness	سودمندی عملکرد درجه (عملیات)	operation test run period	دوره عملکرد آزمایشی
operating efficiency	کارایی عملی (مؤثر)	operation time	زمان مشغول به کار
operating expense (cost)	هزینه عملیاتی	operational	عملیاتی
operating income (or profit)	سود عملیاتی	operational accountability	پاسخگویی نسبت به عملیات، مسئولیت مقامات اجرایی
operating income	درآمد عملکرد، درآمد عملیاتی	operational asset	دارایی عملیاتی
operating items	اقلام عملیاتی	operational audit(ing)	حسابرسی عملیاتی
operating lease	اجاره عملیاتی	operational capacity, practical capacity, practical attainable capacity	ظرفیت عملی، قدرت عملیات
operating leverage	اهرم عملیاتی	operational control information system	سیستم اطلاعاتی کنترل عملیات
operating loss	زیان عملیاتی	operational control, operating control	کنترل عملیاتی
operating manual	راهنمای عملیاتی	operational expense	هزینه عملیاتی، هزینه عملیات عادی واحد تجاری
operating margin	سود ناویژه	operational internal audit plan	طرح عملیاتی حسابرسی داخلی
operating method	روش عملیاتی	operational management	مدیریت عملیاتی
operating performance	عملکرد، میزان مهارت و موفقیت حاصل از هر نوع فعالیت	operational report	گزارش عملیاتی
operating performance ratio(s)	نسبت‌های عملیاتی (عملکرد)	operational variances	انحراف‌های عملیاتی
operating profit	سود عملکرد	operations research (OR)	تحقیق عملیاتی
operating ratio	نسبت عملیاتی	operations, transactions	عملیات
operating report	گزارش عملیاتی	opinion	آراء، رأی، عقیده، اظهار نظر
operating reserve	ذخایر عملیاتی	opinion paragraph (auditing)	بند اظهار نظر (آب)
operating result(s), results of operations	نتایج عملیات، سود یا زیان خالص	opinion research	تحقیق آراء، تحقیق عقاید
operating revenue	درآمد عملیاتی	opinion shopping	رأی خری
operating risk	ریسک عملیاتی	opinion, attitude, view, award	نظرگاه، دیدگاه، رأی، عقیده، آراء، حکم
operating segment	بخش (واحد) عملیاتی	opportunity cost (allocation)	هزینه فرصت‌های از دست رفته
operating statement	صورت عملکرد	opportunity set	مجموعه گزینه‌های پیش روی
operating system	سیستم عامل	oppose	مخالفت کردن، رودر رو ایستادن
operating trend	روند عملیات	opposite side of account	طرف مقابل حساب
operation	عملیات، عملکرد		
operation budget	بودجه عملیاتی		
operation cost center	مرکز هزینه عملیات		
operation costing	هزینه‌یابی عملیاتی		

optimal capital structure	جامعه آماری مورد نظر
optimal cost management system	ساختار بهینه سرمایه
optimal level	سیستم مدیریت (کنترل) بهینه هزینه
optimal portfolios	سطح مطلوب
optimal solution	پرتفوی بهینه، مطلوبترین
optimize	مجموعه سرمایه گذاری
optimizing models	راه حل بهینه
optimum	بهینه یابی، بهینه سازی
optimum (optimal) allocation method	مدل های بهینه سازی
optimum output	حد مطلوب، بهینه
optimum performance	روش تخصیص مطلوب
optimum solution	نتیجه یا محصول مطلوب (مورد نظر)
optimum stock level	اجرای مطلوب (عملیات)
optimum tariff	راه حل مطلوب
optimum trading range	حد مطلوب موجودی
optimum use	تعرفه بهینه
optimum work period	دامنه مطلوب
option	داد و ستد، حد بهینه خرید و فروش
option dealing	استفاده مطلوب
option holder	حد مطلوب دوره کار
option money	اختیار، آزادی در انتخاب، اختیار معامله
option premium	اختیار معامله
option price	سفته بازی روی ترقی سهام، معامله اختیاری
option series	دارنده برگ اختیار معامله
option spread	پول اختیاری (علی الحساب)
option writer	قیمت برگ اختیار خرید (فروش) سهام
optional dividend	قیمت اختیار خرید سهام
optional redemption	سری برگ های اختیار معامله
	فرم سفارش
	فروشنده یک برگ اختیار معامله
	سود سهام اختیاری (نقدی)
	یا مصرفی با سهام جایزه
	بازخرید اختیاری
	opulation of interest
	سفارش دادن، دستور دادن، مرتب کردن
	order No
	شماره سفارش
	order bill
	حواله سفارشی، برات حواله کرد
	order check
	چک حواله کرد
	order confirmation
	تأییدیه سفارش
	order cover
	پوشش سفارش (کالا)، حد سفارش پذیری
	order cycling method
	روش تکرار سفارش
	order fitting cost
	هزینه انجام سفارش
	order for foreclosure
	حکم تملیک
	order for goods
	سفارش کالا
	order form
	حواله سفارش
	order getting cost
	هزینه دریافت سفارشی
	order of (O/O)
	حواله کرد
	order point
	نقطه سفارش (کالا)، نقطه تجدید سفارش
	order processing time
	نقطه سفارش (کالا)، نقطه تجدید سفارش
	order ticket
	فرم سفارش
	order-getting costs
	هزینه های دریافت سفارش
	ordere de experts comptables (OEC)
	هیأت ناظر بر حرفه حسابداری در فرانسه
	ordered goods
	کالای سفارش شده
	ordering cost
	هزینه سفارش
	orderly marketing arrangement (OMA)
	ترتیبات بازاریابی منظم « ترتیبات / خودداری
	orders in transit
	سفارشات در راه
	orders outstanding control account
	حساب کنترل سفارشات معوق
	ordinary annuity
	اقساط مساوی
	(قسط قابل پرداخت در آخر دوره)
	ordinary creditor
	بستانکار عادی
	ordinary debt
	بدهی عادی (معمول)
	ordinary depreciation
	استهلاک عادی
	ordinary general meeting,
	Annual General Meeting (AGM)
	مجمع عمومی عادی

ordinary income	درآمد عادی	original capital	سرمایه اصلی
ordinary incremental budget	بودجه تفاضلی (فزاینده) عادی	original copy	نسخه اصلی
ordinary interest	بهره عادی (ساده)	original cost (expense, expenditure)	هزینه اصلی
ordinary loss, normal loss	ضرر عادی ناشی از فعالیت‌های شرکت	original documents	مدارک اصلی
ordinary negligence	سهل‌انگاری	original invoice	صورتحساب اصلی
ordinary profit	سود ناشی از فعالیت‌های شرکت	original shareholder, shareholder of record	سهامدار اصلی
ordinary repair	تعمیر عادی	origin	مبدأ، منشأ
ordinary share	سهام عادی	origin of risk	منشاء خطر
ordinary shareholder's equity (ordinary shareholder's funds)	ارزش سهام عادی پس از کسر سهام ممتاز	original	اصلی، اولیه
ordinary shareholders	صاحبان سهام عادی	original capital	سرمایه اولیه
organization	سازمان	original cost	قیمت اصل، بهای اولیه
organization chart	نمودار سازمانی	original cost standard	معیار هزینه اصلی
organization controls	کنترل‌های سازمانی	original documents	اسناد اصل، اسناد اولیه
organization for economic cooperation and development (OECD)	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	original entry	ثبت اولیه، نقل به دفتر کل
organization for european economic cooperation (OEEC)	سازمان همکاری اقتصادی اروپا	original entry error	اشتباه نخستین ثبت
organization unit	واحد سازمانی	original estimate	برآورد اولیه
organization's goal	هدف سازمان	original goods	کالای اصلی و طبیعی
organization, body corporate, corporation	سازمان	original issue of shares	انتشار اولیه سهام
organizational controls	کنترل‌های سازمانی	original markups	افزایش اولیه قیمت فروش
organizational goal	هدف سازمانی	original maturity	تاریخ سررسید اولیه
organizational relationships	روابط سازمانی	original receipt	رسید اصلی
organizational status	موقعیت سازمانی	original selling price	قیمت اولیه فروش
organizational structure	ساختار سازمانی	original value	ارزش اصلی
organizational unit	واحد سازمانی	originate	نشأت گرفتن، سرچشمه گرفتن از
organizations, institutions	مؤسسات	originator	ترتیب‌دهنده، تنظیم‌کننده
organize	تأسیس کردن، سازمان‌دهی کردن	other accounts payable	سایر حسابهای پرداختنی
organizer	مؤسّسین	other assets	سایر دارایی‌ها
organizing	سازماندهی	other comprehensive income	سایر اقلام سود جامع
		other information included in annual reports	سایر اطلاعات مندرج در گزارشات سالانه
		other liabilities	سایر بدهی‌ها
		other people's money (OPM)	(استفاده از) پول دیگران
		ounce (oz)	اونس، برابر با ۲۸/۳۱۹۵ گرم
		out flow	خروجی



out flow of capital	خروج سرمایه	output report	گزارش خروجی
out for a bid	مزایده	output scanning	بررسی گزارش‌های خروجی
out of control	خارج از کنترل	output-oriented principles	اصول متمرکز بر ستانده‌ها
out of date, overdue	موعد گذشته، منقضی، منسوخ، کهنه	outputs	عوامل کارکرد
out of line	بی تناسب	outright	یکسره
out of order	خارج از نظم	outright exportation	صادرات یکسره/ قطعی
out of pocket costs, actual expenditures	مخارج واقعی، هزینه‌های پرداخت فوری	outside broker	دلال غیررسمی (بورس)
out of station allowance	فوق‌العاده خارج از مرکز	outside controls	کنترل‌های خارجی
out of stock (o/s)	غیرموجود، خارج از موجودی (o/s)	outside director	مدیر خارج از سازمان
out ward documentary credits	اعتبارات اسنادی برای خارج	outside shareholder	سهامدار اقلیت
out ward manifest	اعلامیه خروج	outside the power	خارج از اختیار
out-cycle work	کارهای خارج از چرخه عملیات	outside the power of directors	خارج از اختیارات مدیران
out-of-date check	چک تاریخ گذشته	outsider	شخصی غیروابسته
out-of-pocket costs	هزینه‌های خاص که جهت انجام یک کار به‌ناچار پرداخت می‌شود.	outsourcing	واگذاری انجام امور سازمان به بیرون
out-of-sample data	اطلاعات (داده‌های) خارج از نمونه	outstanding capital	سرمایه معوق (وصول نشده)
outage	مدت عدم استفاده	outstanding check	چک دریافت نشده، چک معوق
outage cost	هزینه دوران عدم استفاده	outstanding commitments	تعهدات معوق (وصول نشده)
outboard	بیرون از کشتی یا قایق	outstanding debts	دیون معوق (پرداخت نشده)
outflow of cash	جریان خروج وجه نقد	outstanding deposit	سپرده‌های بین راهی
outgoing	صادره، صادرشونده	outstanding orders	سفارشات معوق، سفارش‌های تکمیل نشده
outgoing partner	شرکت خارج شونده	outstanding premium	حق بیمه معوق
outlay expiration	استهلاک، کاهش ارزش دارایی	outstanding share	سهام معوق
outlet	محل فروش	outstanding, pending, accrue	معوق
outlier	خارج از محدوده، دورافتاده، نقطه پرت	outward documentary credit	اعتبار اسنادی برای خارج
outlines	رئوس مطالب	outward manifest	اعلامیه خروج کالا
output	بازده، محصول، برون‌داد	outward processing	عمل آوردن در خارج
output cost	هزینه تولید	outweigh	سنگین تر بودن از، چربیدن بر
output data	اطلاعات خروجی	over absorb	جذب بیش از حد
output level overhead variance	انحراف سربار در سطح محصول	over absorbed, over applied	اضافه جذب شده

over absorption (overall feasibility)	اضافه جذب	overall reasonableness test	آزمون کامل
over absorption of fixed cost	اضافه جذب سر بار ثابت	overall review	بررسی کلی
over alloting	گرفتن بیش از حد سفارش	overall risk	خطر کلی
over and short cash account	حساب کسری یا اضافات صندوق	overall risk assessment	برآورد کلی خطر
over billing (invoile)	اضافه دریافت از طریق صورتحساب	overallocated indirect (overhead) costs	اضافه تخصیص هزینه‌های سر بار
over capacity	بالاتر از ظرفیت	overapplied (overhead) cost	مازاد هزینه جذب شده
over investment	سرمایه‌گذاری بیش از حد	overcharge	هزینه اضافی
over life of project	در طول عمل، مدت پروژه	overdraft, overdue account	اضافه برداشت
over par value	مازاد بر ارزش اسمی	overdraftcash	اضافه برداشت نقدی (از حساب بانک)
over pay	بیش از استحقاق مزد دادن	overdraw	اضافه برداشت کردن
over payment	پرداخت زائد (بیش از حد)	overdraw a check	چک پرداخت شده
over product	تولید بیش از اندازه (تولید انبوه)	overdue (drafts)	(برات) سررسید گذشته
over purchase	خرید به قیمت بالا	overdue (goods)	(کالاهای) تحویل نشده
over spend	تجاوز از اعتبار مصرف شده	overdue debt, past due debt	بدهی سررسید گذشته، مطالبات معوق
over-absorbed overhead	اضافه جذب (هزینه) سر بار	overestimate	اضافه برآورد کردن
over-and-short	کسر و اضافه	overflight	بار اضافی
over-applied overhead	اضافه جذب (هزینه) سر بار	overhead (overhead cost)	سر بار، هزینه سر بار
over-audit	رسیدگی بیش از اندازه	overhead absorb	اضافه جذب
over-estimation	برآورد بیش از حد	overhead absorbtion, overapplied	جذب (هزینه) سر بار
over-the-counter	بازار خارج از بورس	overhead adjustment account	حساب تعدیل سر بار
over-the-counter market	بازار خارج از بورس، بازار فرابورس	overhead analysis sheet (overhead distribution summary)	سرشکن کردن سر بار، کارت تجزیه و تحلیل هزینه سر بار
over-the-counter sale	فروش اوراق بهادار پذیرفته نشده (در بورس)	overhead appropriation	تسهیم، سرشکن کردن، تقسیم کردن
overabsorbed indirect (overhead) costs	اضافه جذب هزینه‌های سر بار	overhead capacity variance	مغایرت ظرفیت سر بار
overabsorption	مازاد جذب سر بار	overhead charge	هزینه بالاسری
overage	اضافی انبار	overhead control account	حساب کنترل سر بار
overage and shortage	اضافی و کسری انبار	overhead cost variance	
overall efficiency	افزایش کارایی، کاهش هزینه		
overall feasibility	امکان‌پذیری (از لحاظ کلی)		
overall productivity	بهره‌وری کامل (جامع)		

مغایرت هزینه سربار  
 overhead cost, overhead efficiency  
 variance هزینه سربار  
 overhead crane جرثقیل سقفی (بالاسری)  
 overhead efficiency variance  
 (productivity variance; overhead  
 productivity variance)  
 انحراف کارایی سربار  
 overhead expenses  
 هزینه‌های سربار (بالاسری)  
 overhead in process سربار در جریان ساخت  
 overhead per unit نرخ واحدی سربار  
 overhead price variance  
 مغایرت قیمت سربار  
 overhead usage, overhead spending  
 مصرف سربار  
 overheads هزینه‌های بالاسری  
 overheated حالت تورمی  
 overloading اضافه بارگیری  
 overnight loan وام یک شبهه  
 overnight money پول یک شبهه  
 overpaid پرداخت بیش از حد (بیش از حق)  
 overqualified بالاتر از شرایط احراز  
 overrate بیش از ارزش واقعی ارزیابی کردن  
 overrider (overriding commission)  
 حق دلالی فوق العاده  
 overseas ماوراء بحار، خارجه  
 overseas company شرکت ماورای بحار  
 overseas-income taxation  
 مالیات بر درآمدهای خارج از کشور  
 oversee نظارت کردن، زیر نظر داشتن  
 overshadow تحت الشعاع قرار دادن  
 overstaffing مازاد کارکنان  
 overstate, overstatement ارائه بیش از واقع  
 overstatement زیاد نشان دادن، ارائه مبالغه به  
 بیش از میزان واقعی  
 overstatement of revenue  
 بزرگنمایی، یا فزون‌نمایی درآمد  
 overstock items اقلام مازاد بر نیاز

overstocked goods  
 کالای بیش از حد انبار شده  
 overtime allowance, overtime pay  
 فوق العاده اضافه کار  
 overtime free هزینه اضافه کار  
 overtime hours ساعات اضافه کاری  
 overtime pay مزد اضافه کاری  
 overtime premium hours  
 ساعات اضافه کاری جایزه‌دار  
 overtime work کار اضافه کاری  
 overtrading گسترش بیش از حد دادوستد  
 overvaluation of stock  
 اضافه ارزیابی موجودی  
 overvalue (overvaluation)  
 ارزیابی بیش از واقعی  
 overwork کار زیاد از حد  
 owe مدیون بودن  
 own مالک بودن  
 owner صاحب، مالک  
 owner of the goods صاحب کالا  
 owner withdrawals برداشتهای مالک  
 owner's equity  
 حق مالی صاحب سرمایه، حقوق صاحبان سهام  
 ownerless بطور امانی  
 owners' equity حقوق صاحبان سرمایه  
 owners' interest حقوق سهامداران  
 ownership مالکیت  
 ownership card کارت مالکیت  
 ownership claims مطالبات مالکیت  
 ownership equity حقوق مالکین  
 ownership of assets مالکیت دارایی  
 ownership right, right of possession,  
 property right, proprietary right  
 حق مالکیت

# P p

Pacioli, Luca (1445-1514)

پاچیولی، لوکا (۱۴۴۵-۱۵۱۷ میلادی) یک راهب فرانسویسکن و نخستین کسی که توانست دفترداری ثبت دوطرفه ارائه کند.

package deal

معامله کلیدی - چکی (بدون توجه به مسائل جزئی معامله)

package pay مزد بسته‌بندی یا عدلبندی

packaged program برنامه آماده

packaging cost هزینه بسته‌بندی

packet, small package بسته کوچک

packing and distribution بسته‌بندی و توزیع

packing and loading expense

هزینه بسته‌بندی و بارگیری

packing and shipping بسته‌بندی و ارسال

packing expense (charge) هزینه بسته‌بندی

packing list صورت بسته‌بندی یا عدلبندی؛

صورت کالاهای بسته‌بندی شده

packing note یادداشت محتویات بسته

packing, packaging بسته‌بندی

padding expenses فزون‌نمایی هزینه‌ها

paging فرایند انتقال داده‌ها و اطلاعات از

حافظه اصلی به حافظه‌های فرعی (رایانه)

paid پرداخت شده، نقد

paid check چک پرداختی

paid in (up) capital, contributed capital

سرمایه پرداخت شده

paid in capital for treasury stock

صرف سهام خزانه

paid in capital from retirement of treasury stock

سرمایه پرداخت شده از ابطال سهام خزانه

paid in cash share سهام نقداً پرداخت شده

paid in kind پرداخت غیرنقدی

paid in excess of par value

پرداخت مازاد بر ارزش اسمی

paid invoice صورت‌حساب پرداخت شده

paid on account پرداختی علی‌الحساب

paid on charge پرداختی به عنوان مساعده

paid on credit پرداختی نسبه (قرضی)

paid sick leave, sickness benefit

پرداخت دستمزد ایام بیماری

paid up capital share سرمایه تمام پرداخت شده

paid up insurance بیمه پرداخت شده

paid up policy

بیمه‌نامه‌ای که حق بیمه آن پرداخت شده

paid up share (stock) سهام پرداخت شده

paid-in پرداخت شده

paid-in capital سرمایه پرداخت شده

paid-in capital in excess of par

صرف سهام

paid-in capital surplus صرف سهام

paid-in surplus صرف سهام

paid-up capital سرمایه پرداخت شده

paid-up insurance بیمه پرداخت شده

painting the tape	ایجاد رونق مصنوعی در بورس	parallel simulation	شبیه‌سازی موازی
pansion and saving department	اداره بازنشستگی و پس‌انداز	parallel testing	آزمون موازی
paper assets	دارایی‌های مالی، اوراق بهادار	parameter	عامل ثابت، پارامتر، مؤلفه
paper profit	سود تحقق نیافته، سود صوری	parametric test	آزمون پارامتر، پارامترسنجی
paper rate	نرخ غیر واقعی	parcel of bills	بسته بروات
paper tiger	سرمایه‌گذاری به ظاهر سودآور	parcel post	بسته پستی
par	برابری، تساوی، بهای رسمی اسناد و ضمانتنامه‌ها	parcel post receipt	قبض امانات پستی
par bond	اوراق قرضه‌ای که به ارزش اسمی فروخته شود	parent	واحد تجاری اصلی، شرکت مادر
par clearing, par payment	پرداخت اصلی (اسمی)	parent company	شرکت مادر، واحد تجاری اصلی یا شرکتی که واحدهای فرعی را کنترل می‌کند.
par exchange rate, exchange parity, foreign exchange rate	نرخ برابری ارز	parent company auditor	حسابرس شرکت مادر
par of exchange	نسبت واحد پول یک کشور به واحد پول کشور دیگر	parent company statements	صورت‌های مالی جداگانه «واحدهای تجاری اصلی»
par rate of exchange, official exchange rate	نرخ رسمی ارز	parent company's percentage of ownership	درصد مالکیت شرکت اصلی
rate	روش ارزش اسمی	parent enterprise (corporation)	مؤسسه مادر
par value method	نرخ اسمی ارز	parent's percent of ownership	درصد مالکیت شرکت اصلی
par value of currency	ارز اسمی ارز	parent-subsidiary relationship	رابطه اصلی، فرعی
par value of securities	قیمت اسمی اوراق بهادار	parenthesis-free notation	یادداشت بدون پرانتز
par value of shares	قیمت اسمی سهام	parenthetical information	ارائه اطلاعات در داخل پرانتز
par value of stocks, face value of shares, stated value of share, stock par value	ارزش اسمی سهام	parenthetical note	یادداشت درون پرانتزی
par value theory	تئوری ارزش اسمی	pareto principle	اصل پارتو
par-clearance	واریز (پرداخت) اسمی	pari passu clause	شرط برابر بودن وام‌ها
par-clearing	واریز اصل سند (مبلغ اسمی سند)	parity	برابری، نسبت
par-value capital stock	تعیین ارزش اسمی هر سهم بر اساس اساسنامه شرکت	parity price	قیمت همانند یا یکسان
paradigm	الگوی فکری، پارادایم	parol	قول شفاهی، قرارداد شفاهی
paragraph	یک قسمت از یک ماده یا تبصره، بند	parole agreement	قولنامه (قرارداد شفاهی)
parallel hedge	پوشش ریسک از طریق خرید ارزهای متفاوت	parole evidence role	قاعده حاکمیت متن نوشته بر نقل قول شفاهی در قراردادها
		part paid	قسمت پرداخت شده

part shipment حمل قسمتی از کالا  
 part-paid invoice, part paid statement صورت‌حساب جزئاً پرداخت شده  
 part-payment پرداخت قسمتی  
 part-time worker, casual worker کارگر موقت، کارگر نیمه‌وقت  
 partial جزئی، قسمتی  
 partial damage خسارت جزئی  
 partial disability از کار افتادگی جزئی  
 partial payment پرداخت به دفعات  
 partial productivity بهره‌وری ناقص  
 partial productivity measurement اندازه‌گیری بهره‌وری ناقص/ نسبی  
 partial recognition شناسایی ناقص/ نسبی  
 partial reliance اعتماد نسبی  
 partial relief بخشودگی جزئی  
 partial shipment, shipment by instalment حمل به دفعات  
 partial work related disability از کار افتادگی جزئی ناشی از کار  
 partial year بخشی از سال  
 partially paid قسمت پرداخت شده  
 partially paid capital سرمایه به دفعات پرداخت شده  
 partially paid shares سهام به دفعات پرداخت شده  
 partially participating مشارکت جزئی  
 partially participating preferred stock سهام ممتاز با مشارکت جزئی در سود باقی‌مانده  
 partially participation مشارکت جزئی  
 participate مشارکت کردن  
 participating bonds اوراق قرضه با حق مشارکت در سود  
 participating capital stock سهام ممتاز با حق سهام شدن در مازاد سود  
 participating clause شرط حق مشارکت در سود اضافی

participating dividend سود پرداختی به دارندگان سهام ممتاز علاوه بر سود تعیین شده در برگ سهم.  
 participating in interests سهام در منافع  
 participating insurance بیمه سهام (در منافع)  
 participating preference share سهم ممتاز که دارنده آن سود تقسیمی ثابتی دریافت می‌کند و پس از این که سهامداران عادی درصد مشخصی از سود دریافت کردند، وی در بقیه سود سهام می‌شود.  
 participating share سهام ممتاز با حق مشارکت در سود  
 participating stock سهام مشارکت کننده در سود  
 participation certificate ورقه یا برگ مشارکت  
 participation credit اعتبار مشارکتی  
 participation funds وجوه مشارکتی  
 participation loan وام مشارکتی  
 participation, corporate, joint venture, partnership, cooperation مشارکت شراکت، همیاری  
 participation, partnership میانگین خاص  
 particular average میانگین خاص  
 particular balance sheet accounts حساب‌های خاص ترازنامه  
 particular expense هزینه خاص  
 particular format of accounting books شکل خاص دفاتر حساب  
 particular forms of cost functions اشکال خاص توابع هزینه  
 particular operating cost هزینه خاص عملکرد (عملیات)  
 particular partnership مشارکت مخصوص  
 particular profit and loss expense هزینه خاص سود و زیان  
 particular(s) مشخصات، مشخص، معین  
 parties to bill اشخاص ذینفع در برات

parties to contract طرفین قرارداد  
 partly finished تا اندازه‌ای ساخته شده (نیمه‌ساخته)  
 partly finished goods, semi finished کالای نیمه‌ساخته  
 goods  
 partly finished stock موجودی کالای تا اندازه‌ای تمام  
 partly finished store انبار کالای نیمه ساخته  
 partly paid shares سهامی که هنوز تمام مبلغ اسمی آن پرداخت نشده باشد  
 partly paid, semi-paid نیمه پرداخت  
 partly secured تا اندازه‌ای تضمین شده  
 partly secured credit اعتبار نیمه تضمین شده  
 partly secured loan وام با قسمتی تضمین  
 partner شریک بودن، یار بودن، همکار  
 partner in joint account شریک با حساب مشترک  
 partner participant شریک  
 partners شرکاء  
 partners of the company شرکاء شرکت  
 partners' current account حساب جاری شرکاء  
 partners' drawing account حساب برداشت‌های شرکاء  
 partners' interest حقوق شرکاء (منافع شرکاء)  
 partnership accounting حسابداری شرکتهای تضامنی  
 partnership agreement, joint venture agreement قرارداد بین شرکای یک شرکت تضامنی  
 partnership capital سرمایه شراکت  
 partnership dissolution partnership انحلال شرکت تضامنی  
 liquidation  
 partnership financial statements صورتهای مالی شرکت تضامنی

partnership liquidation انحلال شرکتهای غیر سهامی  
 partnership profit سود شرکت غیر سهامی  
 parts list صورت مواد، صورت اجزا  
 party طرف معامله  
 party concerned, party interested ذینفع (طرف ذی‌نفع)  
 pass از قلم افتاده، تصویب، کلمه رمز، گذشتن، عبور کردن، تصویب کردن قانون  
 pass-book دفتر حساب جاری بانکی مشتری  
 passage حق عبور  
 passage of title انتقال مالکیت  
 passavant پروانه عبور  
 passavant declaration اظهارنامه عبور  
 passbook دفتر حساب (پس‌انداز) بانک  
 passed رد شده  
 passed dividend سود سهام اعلام نشده  
 passenger manifest صورت مسافران، مانیفیست مسافران  
 passive مجهول  
 passive asset دارایی راكد  
 passive bond قرض الحسنه، اوراق قرضه بدون بهره  
 passive debt بدهی بی‌بهره  
 passive investment سرمایه‌گذاری غیرفعال  
 passport گذرنامه  
 password اسم رمز، کلمه عبور  
 password pawn کلمه رمز، اسم رمز  
 past due تأخیر در پرداخت و رعایت نکردن در زمان تعیین شده (مورد توافق)  
 past due bill, overdue bill برات سررسید گذشته  
 past service (pension) cost هزینه خدمات قبلی  
 past, due, overdue سررسید گذشته سررسید گذشته (مهلت منقضی شده)  
 patent حق اختراع  
 patent office اداره ثبت اختراع

patent right, patent, royalty	حق الاختراع	pay plan	طرح حقوق، سیستم حقوق و مزایا
patent, pervasive	اختراع ثبت شده، حق ثبت	pay raise, increase in salary	افزایش حقوق
	اختراع، حق بهره برداری	pay sheet, salary roll, pay roll	لیست حقوق، لیست حقوق و دستمزد
patentee	صاحب اختراع ثبت شده	pay slip, pay receipt	بیجک (برگ رسید دستمزد)
patrimony	دارایی موروثی (ترکه)	pay up	پرداخت وجه اضافی
pattern	الگو	pay, reimburse, disburse, settle	پرداخت کردن
pattern of cost allocation	الگوی تخصیص هزینه	pay-as-you-earn	پرداخت به قدر عایدی، پرداخت در برابر خدمت
pawn broker	دلالت گرو (رهن)	pay-as-you-go	پرداخت تدریجی بدهی، ثبت هنگام پرداخت
pawn setter	رهن گذار (راهن)	pay-off period of asset	دوره بازدهی دارایی
pawn, pledge, mortgage	گرو (رهن)، گرو گذاشتن	pay-off period of investment	دوره پرداخت سرمایه گذاری
pawner	راهن، گروگذار	pay-through bonds	اوراق قرضه دارای پشتوانه
pay a draft at sight	پرداخت برات دیداری	payability	قابلیت پرداخت
pay as you earn (PAYE)	پرداخت تدریجی بدهی، پرداخت تدریجی بدهی	payable	بدهی های پرداختنی، قابل پرداخت
	براساس تحصیل درآمد	payable (on) demand	قابل پرداخت در صورت مطالبه
pay back method	روش مقایسه بازده (سرمایه گذاریها - طرحها)	payable at destination	قابل پرداخت در مقصد
pay bak	بازپرداخت، استرداد وجه کردن	payable at maturity	قابل پرداخت در سررسید
pay bill, payment voucher, voucher	سند پرداخت	payable at par	قابل پرداخت به ارزش اسمی
pay by check	با چک پرداختن	payable at sight	قابل پرداخت به رویت
pay clerk	متصدی پرداخت	payable in advance	قابل پیش پرداخت
pay day	روز پرداخت	payable in bearer	قابل پرداخت در وجه حامل
pay in advance	پول پیش دادن	payable long-term inter-company	بدهی بلندمدت فی مابین شرکتهای وابسته
pay in installments	به اقساط پرداختن	payable to bearer	قابل پرداخت به حامل
pay interest	بهره پرداختن	payable to bearer of bill bearer bill	برات در وجه حامل
pay interest in current account	بهره جاری دادن	payable to order	قابل پرداخت به حواله کرد
pay master	مأمور پرداخت	payables turnover period	دوره واریز بستنکاران
pay master pay plan, paymaster	مأمور پرداخت		
pay off	بازدهی (برگشت وجه)		
pay office	اداره پرداخت		
pay officer, pay master	متصدی پرداخت		
pay on credit	به صورت نسیه پرداختن		
pay out rate	(سرمایه - سهام) نرخ پرداخت سود		



payables, accounts payable	برات پرداختی
حساب‌های پرداختی (بدهیها، بستانکاران)	ضمانتنامه پیش‌پرداخت
payback	پرداخت به اقساط
برگشت سرمایه، باز یافت سرمایه گذاری	پرداخت براساس نتایج کار
payback (or payout) period method	پرداخت by the insured
روش دوره باز یافت سرمایه	پیش‌پرداخت توسط بیمه شده
payback method	تاریخ پرداخت
روش (محاسبه) بازیابی سرمایه	پرداخت in advance, payment on
دوره برگشت سرمایه، دوره	account, disbursement
باز یافت سرمایه گذاری	پرداخت علی الحساب، پیش‌پرداخت
payback period method	پرداخت in dollars
روش مبتنی بر دوره باز یافت	پرداخت به دلار
payback period reciprocal	پرداخت در سر رسید
معکوس دوره باز یافت	پرداخت in foreign currency
دوره بازیابی	پرداخت به ارز خارجی
payback reciprocal	پرداخت of a debt, discharge
مبلغ صرفه‌جویی شده	پرداخت بدهی، ایفای تعهد، برائت ذمه، پرداخت
paydown	بدهی به اعتبار
گیرنده	پرداخت of claim
payee	پرداخت ادعا، پرداخت خسارت
payee of the check, receiver of check	پرداخت of wages
گیرنده چک	پرداخت دستمزد
payee of the note	پرداخت on account
در یافت‌کننده وجه سند، گیرنده سند	پرداخت علی الحساب
payer	پرداخت on behalf of
پرداخت‌کننده، دهنده وجه	پرداخت از طرف
paying agent	پرداخت on open account
نماینده پرداخت	پرداخت در حساب جاری
paying back	پرداخت order
استرداد، بازپرداخت	حواله ارزی
paying bank, reimbursing bank	پرداخت summary
بانک پرداخت‌کننده	خلاصه پرداخت
paying credit	پرداخت supra protest
حواله پرداخت	پرداخت پس از واخواهی
paying out profit	پرداخت system
سود پرداخت کردنی (قابل تقسیم)	سیستم پرداخت‌ها
paying slip	پرداخت term, terms of payment
برگ پرداخت وجه	شرایط پرداخت
برائت (دین، بدهی)	پرداخت under a guarantee
فرم بستانکار، فیش بستانکار	پرداخت تحت ضمانتنامه
پرداخت	پرداخت under reserve
پرداخت	پرداخت تحت تضمین
پرداخت against a draft	پرداخت voucher, pay bill
پیش‌پرداخت در مقابل برات	سند پرداخت
پرداخت agreement	پرداخت
موافقت‌نامه پرداخت	پرداخت
پرداخت authorization	پرداخت
دستور (مجوز) پرداخت	پرداخت
	پرداخت, disbursement

payoff = pay-off	مشکلات پولی
نتیجه، حاصل، قسط نهایی بدهی	pecuniary difficulties
payoff period = pay-off period	مجازات نقدی
دوره بازبایی سرمایه	pecuniary punishment
payoff table	بررسی به وسیله همکاران،
جدول عایدات	حسابرسی همپیشگان
payout ratio, dividend payout, long-run	pegged rates
dividend payout ratio, payout time	نرخ ارز ثابت یا نسبت مبادله ارز پول دو کشور
نسبت پرداخت سود سهام	pegging, market price fixing
payout time	تثبیت قیمت بازار
دوره (زمان) بازبایی سرمایه	pelf, unlawful (illegal) property
payroll and personnel cycle	مال نامشروع
چرخه حقوق و دستمزد کارکنان	penal provisions
payroll card	مقررات جزائی
کارت مشخصات حقوق	penal records
payroll computations	سوابق کیفری
محاسبات حقوق و دستمزد	penal responsibility
payroll cost	مسئولیت جزائی
هزینه حقوق و دستمزد	penalty
payroll cycle	کیفر، مجازات، جریمه
چرخه حقوق و دستمزد	penalty agreed beforehand
payroll deductions	غرامت مقطوع
کسورات حقوق و دستمزد	penalty rate
payroll entries	نرخ جریمه
ثبتهای حقوق و دستمزد	pending accounts
payroll master file	حساب‌های معلق
پرونده اصلی حقوق و دستمزد	pending expenses, suspense cost,
payroll records	deferred expense, accrued expense
اوراق و اسناد حقوق و دستمزد	هزینه معوق
payroll register	pending lawsuits
دفتر ثبت حقوق و دستمزد	دعای حقوقی در شرف
payroll system	طرح، دعای حقوقی در جریان
سیستم حقوق و دستمزد	pending litigation
payroll tax	دعای معوقه
مالیات حقوق و دستمزد	penetration pricing
payroll tax rate	قیمت‌گذاری زیرکانه
نرخ مالیات حقوق و دستمزد	penny shares
payroll, wages and salaries	اوراق بهادار کم بها
حقوق و دستمزد	penny stock
peak	سهام کم ارزش
متها درجه، حداکثر، نقطه اوج	pension
peak efficiency	بازنشستگی
حداکثر کارایی	pension (fund- pool), retirement fund
peak load	صندوق بازنشستگی
بار حداکثر، حداکثر بار	pension and saving fund
peak sales	صندوق پس انداز و بازنشستگی
نقطه اوج فروش	pension and savings
pecking order	بازنشستگی و پس انداز
به ترتیب اولویت	pension benefits
peculator, embezzler	مستمری
مختلس (دزدی کننده)	pension contribution
pecuniary benefit	سهامیه بازنشستگی
خالص وجوه نقد یا معادل پول حاصل از یک معامله، پس از کم کردن هزینه‌های مربوطه	pension cost
	هزینه سالانه که کارفرما به صندوق بیمه بازنشستگی پرداخت می‌کند.
	pension costs and retirement plans
	هزینه‌های و طرحهای بازنشستگی